

نه مؤمنان بی تخصص و نه متخصصان بی ایمان

دوران سازندگی انقلاب به در آمیختگی ایمان با تخصص نیاز دارد

در صفحه چهارم

اعلامیه دبیرخانه حزب ملت ایران

پیرامون هجوم وحشیانه دولت نژاد گرای بعث عراق به ایران

هم میهن، تا آخرین نفر و تا آخرین نفس در کنار
تو و همه رزمندگان این نبرد میهنی ایستاده ایم

در صفحه هشتم

بزرگترین جهاد، ساختن فرزندان ایران است

نهادهای آموزشی را از دایره بسته تنگ نظریها برهانید

تلاشی چشمگیر برای آموزش
گسترده و برپار در جریان است و
برخی از کشورها حتی به ربودن
کاردانان و کارآمدان کشورها
دست میزنند و نیز این حقیقت
بر همه آشکار شده است که
توانائیهای جسمانی را در
حرکت زندگی چه برای تولید
ملی و چه برای دفاع ملی بایستی
بامدد گرفتن از آموزش بایسته،
نیرو بخشید تا بیشترین
بهردهی را داشته باشد.

در ایران انقلابی که در
نبرد با قدرت های امپریالیستی
بسر میرود و در این نبرد جز
با پروردن نیروی انسانی
آزموده نمیتوان پیروز شد، با
چه بهانه های از گسترش
سازمانهای آموزشی سر باز
میزنند؟! بقیه در صفحه پنجم

بی گمان نخستین توقع از یک
نظام مردم سالاری بویژه هنگامی
که خون هزاران دانش آموز و
دانشجوی به مسلخ کشیده شده
پشتوانه ای آن باشد، اینست که با
تمامی نیرو به نوسازی و توسعه ای
آموزش بپردازد.
در حالیکه این حقیقت
برهنگان آشکار شده است که
گرامی ترین ثروت هر کشور
انسان های دانا و توانا هستند،
چگونه است که فضای ایران
انقلابی تنها از شعار انباشته است
و تاکنون نه تنها تلاشی از جانب
دولتمداران در فزونی بخشیدن
این سرمایه ملی نشده که همهی
کوششها در جهت از پویائی
افکندن و به نابودی کشاندن
آنست.
در حالیکه در جهان ملتها،

کشور عراق خود یک دروغ تاریخی است حکومت نژاد گرای بعث عراق را باید سرنگون کرد

سالها «ایستادگی و کوشش»،
پایداری و سرسختی مردم میهن
ما، انقلاب اسلامی ملت ایران را
با چوینهای ویژه خود در پی
داشت. این انقلاب شکوهمند که
استقلال و آزادی و قطع
وابستگی های همه سویه را
بشارت میدهد، بعد جهانگستر
یافت، این بزرگ رویداد قرنها،
گنجایش آنرا دارد که به یمن
وحدت همه مردم و همه نهادهای
مذهبی و سیاسی بگونه پایگاه
استوار و دژ تسخیرناپذیر
مبارزات ضد استعماری در منطقه
در آید.

نقش دگرگون ساز مصدق در تاریخ

با عقده گشائی های بیمار گونه به همبستگی ملی آسیب نرسانید

پس از پایان جنگ جهانی
دوم که امپریالیسم آمریکا در
صحنه سیاسی ایران حضور
فعال تری پیدا کرد، با اوجگیری
مبارزات ملت ایران برای کسب
استقلال و ناوابستگی و تأمین
آزادیهای فردی و اجتماعی، پس
از چند فراز و نشیب دیپلماسی،
این ابرقدرت تازه بدوران رسیده
در خط دشمنی با ایرانیان قرار
گرفت، و سرانجام در رویارویی با
حرکت عظیم تاریخی مردم ایران
برهبری دکتر محمد مصدق، با
همکاریها و سازشهای دیگر
ابرقدرتها، کودتای جنایت بار ۲۸
مرداد ۱۳۳۲ علیه حکومت ملی
و قانونی ایران بظهور رسید. با
اینکه همه غارتگران بیگانه به
شیوه های گوناگون بر میهن ما
سلطه یافتند، اما امپریالیسم
امریکا بود که سرکردگی همه
سلطه گریها را بر عهده داشت
و یک ربع قرن همه نهادهای
سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و
بقیه در صفحه پنجم

به انقلاب نباید جفا کرد

از هر سازشگری با امپریالیسم آمریکایی بیزید

پس از آنکه تجاوز نظامی در
«طیس» ناکام ماند، و پس از
آنکه طرح کودتا با شکستی
فلاکت آور روبرو شد، و پس از
آنکه توطئه های امپریالیسم
آمریکایی پس از دیگری
بی حاصل ماند اکنون این
ابرقدرت آژمند به خدعهای تازه
دست زده است.
امپریالیسم آمریکا که
گوناگون راههای خشونت بار را
تاکنون رفته و بی هیچ کامیابی
بتازگی به فریب هم گرائیده و
میکوشد از حسن نیت و صفای
باطن ایرانیان بهره های ناروا
برگیرد.
از اینرو چهره درنده خود را
در پشت صورتکی از مدارا نهان
ساخته و از راه عطوفت درآمده
است.
نخست آغاز بدان نهادند که
پیامهایی نرم و شیرین بفرستند و
سپس نمایندگان کنگره آمریکا به

تولیدیاتوزیع

به عمل آورد، روحیه فریبکاری و
بیم دهندگی را که در پشت
کلمهها و عبارتهای آن نهفته بود،
آشکار داشت و همه دولتمردان را
از فتادن در دامی که وی تنیده
بود بر حذر ساخت. اینک خود را
ناگزیر می بیند که یکبار دیگر

«مسئله» کدام است

نابرابریها، آرامش را از صحنه گیتی بازستانده

در نظم جهانی غربی، اقتصاد
صحنه دردناک نابرابریها است
که در آن، همه موهبت های زندگی
را بسیار غیر عادلانه تقسیم
کرده اند.
رنج در یکسو و رفاه در سوی
دیگر گرد آمده است و اکثریت

آغاز سال تحصیلی فرخنده باد دانش آموزان عزیز، فرزندان انقلاب:

نخستین روز مهر، آغاز پرشکوه و راستین
خودسازی بر شما که در دفتر تاریخی پیکارهای
رهائی بخش ملت ایران فصلی درخشان را به خود
اختصاص داده اید فرخنده باد.
با اینکه نزدیک به بیست ماه، از پیروزی انقلاب
می گذرد نه تنها فضای «مدرسه» هنوز از نارساییها و
نابسامانیها، پاک نشده که تنگ نظریها و
ندانم کاریهای بسیار، آشفتنگی های تازه آفریده و
نگرانی های جدید پدید آورده است و هر روز اطمینان
به آینده ضعیف تر میشود.
بخشنامه وزارت آموزش و پرورش پیرامون شرایط
حضور در مرکزهای آموزشی و تعهدنامه هایی که
دانش آموزان و پدران و مادران آنها، بناچار امضا
کرده اند، بوی ناخوش آیند خفقان و جلوگیری از
باروری اندیشهها و رایها را در کانون های پرورش
دهنده فرزندان کشور پراکنده است و بار دیگر
دهشت خاموشی و تاریکی گذشته ها را یادآور میشود.
امروز فضای میهن، از دلهره های تلخ انباشته است و
از شوقی که در آغاز سال تحصیلی پیش همه جا موج
میزد، کمترین نشانی در میان نمی باشد.
اکنون در گوشه و کنار ایران، توطئه های دشمن
یکی پس از دیگری شکل میگیرد ولی با کمال تأسف
دست انداز کاران حکومت که در انجام وظیفه خود فرو
مانده اند، گمان می برند با بده بستنهای سیاسی از
سوئی و به گیر و ببندهای به اصطلاح امنیتی از سوی
دیگر برای همیشه اسب سرکش مراد را در اختیار
گرفته اند و باور کرده اند که همه گروه های اجتماعی از
جمله شما فرزندان توانمند انقلاب را به دلخواه خود به
«راه» کشیده اند.
شنیده میشود، اخلا لگران قصد دارند به
بهر برداری از زمینه های نارضایتی که پاره ای از
تصمیم های نسجیده ی کار بدستان وزارت آموزش و
پرورش پدید آورده است، اغتشاش هایی راه بیندازند
و بی شک انحصار طلبان نیز چنین بهانه هایی را برای
تعطیل مرکزهای آموزشی که در طبیعت آنها روحیه
اعتراض کنندگی نهفته می باشد، غنیمت خواهند
شمرد و این هر دو گروه آب به آسیبای «ضد انقلاب»
میریزند.
شما که در فراز و نشیب یکی از بزرگترین
انقلاب های جهان ملتها، ساخته شده اید باید هوشیاری
کامل از خود نشان دهید و با هم آهنگی و استواری
سال جدید تحصیلی را آغاز کنید و آموزشگاههای
خویش، این پایگاههای پر تحرک انقلاب را همواره باز و
از بی نظمیهای که چپ روها و راستگراها هر دو
خواستار آن هستند برکنار دارید.
بی شک طرح خواسته های بحق که بتواند هر ناروائی
را از زندگی ملی بزدايد و نظام آموزشی را دگرگون و
غنی سازد نه تنها حرکتی ضد انقلابی بحساب نخواهد
آمد بلکه جوششی است نو در دوران سازندگی.
بقیه در صفحه دوم

به انقلاب نباید جفا کرد

بی آنکه بخواهیم به گذشته‌های بسیار دور برگردیم و از چگونگی راه انداختن و گردانیدن مدرسه‌ها و بیمارستان‌های «امریکائی» در ایران گفتگو به میان آوریم - که هر کدام از آنها در جای خود سندی بر دخالت امریکائیه در امور داخلی ایران است - گفتگوی خود را از جنگ جهانی دوم آغاز می‌کنیم.

امپریالیستهای امریکائی، بی هیچ دلیلی و بی هیچ موجب و بی هیچ اجازه و یادداشتی قوای مسلح خود را از مرزهای ما گذرانیدند و بخش قابل توجهی از میهن ما را به اشغال خود درآوردند.

روسها و انگلیسها روزی که بی آگاهی قبلی، بر ایران شیخون زدند و شهرهای ما را بمباران کردند و گروه کثیری از مردم را به قتل رسانیدند، یک بهانه تراشیده بودند، آنها اعلام کردند که حضور شماری از کارشناسان آلمانی در ایران، امنیت آنها را به خطر افکنده است و برای رفع این خطر ناگزیر از به خون کشیدن و اشغال کردن میهن ما هستند و بر اساس این بهانه ناروا تجاوز خود را آغاز کردند.

ولی سپاهیان امریکا به هنگام تجاوز خود، حتی چنین بهانه‌ای هم نداشتند، مدتها قبل از آغاز تجاوز ایشان، آلمانی‌هایی که در ایران بودند بازداشت و به اسارت برده شده بودند و سرتاسر میهن ما به اشغال «همدستان» امریکا درآمده بود.

امریکائیه برای تجاوز به ایران نمی‌توانستند، هیچ بهانه‌ای عرضه دارند، نمی‌توانستند کوچکترین توجیهی برای این یورش خود بترانند، ولی چنان که عادت ایشان است، برای تامین منافع نامشروع بی‌آنکه کمترین بهانه‌ای عنوان کنند، به یورش پرداختند، و همه گذرگاههای حیاتی ایران را زیر کنترل نیروی مسلح خود درآوردند.

فجایعی که امپریالیستهای امریکائی به هنگام اشغال ایران کردند هنوز از ذهنها نرفته است و بسیار کسان، از سالخوردهگان و

وزارت دارایی بازگو میشود، آنها بسیار بی‌پروا بر همه ارگانهای مالی و پولی کشور تاخت می‌آوردند و آنها را پیریشان می‌داشتند و اگر ایستادگی جانانه اقلیت مجلس چهاردهم در برابر این گروه نبود، زیانهای هنگفت‌تری بر خزانه کشور وارد می‌آوردند.

همزمان با دستاندازی به نظام مالی و مالیاتی و پولی ایران، بنگاه کل راه‌آهن دولتی ایران مطمح نظر امپریالیستهای امریکائی قرار گرفت با وقاحت آشکاری یکی از دست‌پروردگان خود را در رأس بنگاه راه‌آهن قرار دادند و بی‌هیچ پردیووشی به حمایت از وی برخاستند و آن گاه هم که یکبار دولت وقت زیر فشار شدید اقلیت مجلس چهاردهم ناچار به برکناری وی شدیاز-بافشار سیاسی و به اتکاء به تفنگداران خود وی را به ریاست راه‌آهن بازگردانیدند و غرض امریکائیه از گماردن چنین شخصی به تصدی راه‌آهن ایران آن بود که همه امکانات این بنگاه را در دست به اختیار ایشان گذارد و آسیبهایی رسیده را هراندازه بزرگ باشد، ندیده بگیرد و از افزایش تعرفه حمل کالا نیز جلوگیری کند.

امپریالیسم امریکا از راه‌آهن ایران بدون رعایت ضابطه‌های فنی بهره‌کشی کرد و در نتیجه آسیبهایی اساسی بر همه چیز آن وارد آورد.

راه‌آهن تازه ساز ایران در نتیجه رفتار و بهره‌کشی بی‌رویه امپریالیسم امریکا بسیار کمتر از عمر قانونی خود بهره داد.

در طول چندسالی که امریکائیه راه‌آهن ایران را در خدمت خود گرفته، تعرفه حمل را آنقدر پائین نگاه داشتند و مبلغ پرداختی آنقدر ناچیز بود که در عمل حمل کالا برای آنها به رایگان تمام میشد. این مبلغ حتی برای مرمت بخشی از آسیبهایی که بر راه‌آهن وارد می‌آمد کفایت نمی‌کرد. کسانی از کارمندان سابقمدار راه‌آهن که شاهد زنده این ادعا هستند، بسیارند و می‌توانند در صورت لزوم ضربه‌هایی را که امریکائیه بر ساختمان و ابزارهای فنی این بنگاه ایرانی زدند، شرح دهند.

ضربه دیگری که همان سال امپریالیسم امریکا بر اقتصاد میهن ما وارد آورد، تضعیف اجباری پول ایران بود.

امپریالیسم امریکا «کمسیون ارز» را زیر نظر دست نشاندهگان خود قرارداد و بوسیله ایشان نرخ تبدیل دلار به ریال را به شدت به نفع دلار کاهش داد.

امریکائیه برای احتیاجات جنگی خود در ایران احتیاج به ریال داشتند و ناچار بودند دلار را در بانک ملی ایران به ریال تبدیل کنند و برای اینکه در این معامله هم تا آنجا که ممکن باشد سودیکندبافشارهای گوناگون نرخ ارز را به گونه‌ای بی‌تناسب به دست وابستگان نشان افزایش دادند. به دیگر سخن پول ایران را از اعتبار انداختند تا در هزینه‌های خود صرفه‌جویی کنند و این دوزبیه جانگداز، اساس

پریشانی اقتصاد ملی ایران شد. این داعیمداران احترام به حقوق بشر و پیشروان! کمکهای بی‌عوض به دیگر کشورها، نیروی کار ملت ایران و کالاهای فرآورده داخلی ایران را با پولی خریداری می‌کردند که در حقیقت «به زور» از بانکهای ایران دریافت کرده بودند.

چون ریالی که این سلطه‌گران در بازار ایران خرج می‌کردند از مبادله جملی و غیرواقعی دلار با ریال به دست‌آورده بودند، به پراکندن حجم پول نامتناسب با قدرت تولیدی و نیاز اقتصادی کشور منجر شد که نتیجه آنهم تورمی افسار گسیخته بود، همه اشخاص کهنسال و میانسال ایرانی، تورم فلاکت‌آور سالهای جنگ جهانی دوم را به خاطر می‌آورند و فراموش نکرده‌اند که چگونه کمبود کالا و گرانی آن زندگی را در کام مردم ایران به شرنگ تبدیل کرده بود.

امپریالیسم امریکا که کالاهای ما را به یغما می‌برد از یکسو قدرت خرید خارجی پول کشور را به شکلی وقاحت‌آمیز تضعیف کرده بود و از سوی دیگر با افزودن بی‌رویه بر حجم پول در جریان و ساقط کردن ارزش داخلی آن، مهلکه مرگبار فنا کردن پس‌اندازهای ملی ایران را فراهم ساخت و در کنار آنها تورم افسار گسیخته‌ای به راه انداخت که نظیرش کمتر در جهان دیده شده است.

اقتصاد ما تا آن روزگار نظمی و سامانی داشت، تا آن روزگار اقتصاد ما بدون تکیه به درآمد نفت یا وام خارجی یا درآمدهایی از اینگونه بطور نسبی از حیات استواری برخوردار بود و ما توانسته بودیم از محل درآمدهای داخلی خود، راه‌آهن را برپا کنیم و کارخانه‌ها و راهها و ساختمانها و دانشگاه بسازیم ولی پس از ضربه‌ای که امپریالیسم امریکا بر اقتصاد ما وارد کرد، دیگر کشور نتوانست اقتصاد سالم را تجربه کند، دیگر خزانهداری ما نتوانست بودجه سالم و متعادل را پایبند، بر ما چنان ضربه زدند که هنوز هم از زیر بار پیامدهای آن قد راست نکرده‌ایم.

ولگردی و مست‌بازی تفنگداران امریکائی را همه میان سالان ما به یاد دارند و می‌دانند که چگونه بانوان ایرانی از ترس آنها جرئت نمی‌کردند بعد از غروب آفتاب از خانه خارج شوند.

بخشی از پریشانی بافت اجتماعی ایران هم از آن روزها آغاز میشود.

ولگردان اکلاهما، در کوی و بزرز راه بر عارف و عامی می‌بستند و همراه زشتترین گفتارها، شرم‌آورترین کارها را می‌کردند.

اوباش نیوجرسی، آسایش از همگان ربوده بودند و با ارائه کالاهایی چون آدامس و بادکنک و بیسکویت فاسد شده و شکلات گندیده و هیکلهای نفرت‌انگیز در خیابانها و بیابانهای ایران به از هم دریدن بافت اجتماعی ما مشغول بودند.

امپریالیسم امریکای ساخت اقتصادی و بافت اجتماعی میهن ما را در دوران جنگ از هم درید. و در میان مأموران اداری و دولتی ایران شروع به پخش فساد کردوشماری از آنان را خریداری نمود و گماشتگان بی‌فرهنگ خود را به نام مستشار در نظام اداری ایران جا داد.

در آن زمان که جنگ پایان یافت تفنگداران امریکائی میهن ما را ترک کردند و رفتند ولی مستشاران آنها برجا ماندند و بتدریج هم بر شمار آنان افزودند. ایران هنوز از زخم و جسد تفنگداران امریکائی نیاسوده بود که به فاجعه مستشاران گرفتار آمد.

مستشار پشت مستشار برما تحمیل کردند، ابتدا از ژاندارمری و دارائی آغاز دیدند و سپس دامنه آنرا به همه نظام اداری کشور گسترش دادند.

پس از پایان یافتن جنگ جهانی دوم، اقتصاد ایران را چنان ویران کردند که دیگر یارای اتکاء به خود را از دست داده بود، پس کشور را به دریافت وامهایی با شرایط کشنده واداشتند یعنی به گماشتگان خودشان در ایران دستور تقاضای وام می‌دادند و پس از چانه زدنهای بسیار هزارار منت می‌گذاشتند و آنرا پرداخت می‌کردند.

میهن ما که سالها آموخته بود به خود متکی باشد ناگهان چگونه شد که بدون وام خارجی نمی‌توانست هزینه‌های جاری را تامین کند، فلاکت اقتصادی ایران، درینجسال پس از جنگ جهانی دوم تاملی شدن صنعت نفت به طور مستقیم و بی‌واسطه نتیجه دوعامل مشخص بود، یکی رویه اقتصادی امریکائیه در ایران در زمان جنگ و دیگر رویه‌های تنظیم شده توسط مستشاران و دست نشاندهگان امریکا پس از جنگ.

امپریالیسم امریکا پس از ملی شدن صنعت نفت، بی‌درنگ در کنار امپریالیسم انگلیس قرار گرفت و همه آن ماجراها را که بسیار گفته‌اند پدیدآورد و دست آخر هم به هزار رنگ و نیرنگ برمیهن ما دوباره سلطه یافت مدت دو سال مبارزه مردم ایران به رهبری دکتر مصدق برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت میزان حسن نیت این ایرقدرت را برهمگان روشن ساخت و سرانجام با تجاوز آشکار به حق حاکمیت ملی ایران و روی کار آوردن یک حکومت دست نشانده کنسرسیوم نفت را به ما تحمیل کردند و شد آنچه نباید بشود.

در طول بیستوپنجسال گرفتاری در چنگال امپریالیسم امریکا پس از کودتای بیست‌هشتم مرداد ماه ۱۳۳۲ همداوردنار ایران به یغما رفت. در این مدت هرچه توانستند برماستم کردند و از همه آنها بدتر گروهی از فاسدترین عناصر رایکی بعد از دیگری برماحاکم کردند. همه هستی اقتصادی و فرهنگی ما را منسوخ کردند. در پایان حکومت بیست و پنجساله استبدادیان زیر سلطه

کشوری که برجامانده بود سراپا مسخ شده، کشاورزی و صنعت تجارت داخلی و خارجی آموزش نظام حکومتی و همه روابط اجتماعی ما را منسوخ کردند و از ایران کشوری بی‌هویت ساخته بودند.

آنگاه هم که مابه طلب هویت گم شده خود و به جستجوی راهی برای زندگی خویشتن برخاستیم باز به دست ویلیام سولیوان و دستیاران ایرانی نمای وی به دسیسه توطئه برآمدند.

وابستگان فرومایه خود را در انقلاب پرشکوه ملت ما جازدند بررخساره‌های آلوده رنگ و روغن کشیدند و به صفهای مردم گسیل داشتند و کوشیدند که انقلاب پاکیزه ایران را از درون تهی کنند و فرو ریزند. آنگاه که این تدبیر ایشان هم بی‌حاصل ماند و حرکتی بهنگام انقلاب را از انحراف نجات داد و

لا نه جاسوسی تسخیر گردید و جاسوسان به بازداشت درآمدند و بسیاری از ماسکها برداشته شد باز از توطئه دست بردناشتند. توطئه پشت توطئه برپا کردند و هر توطئه که شکست خورد، توطئه دیگری تدارک دیدند. به گفته رئیس جمهور دست کم هفت توطئه از ایشان آشکار گردید. و ایرانیان باپرداخت غرامتهای سنگین همه آنها را خنثی کردند تارسیدند به ماشین جنگی وحشتناکی که زیر عنوان کودتا راه انداخته بودند.

اینان بایبی‌شرمی گروهی از جوانان ساده دل مارا فریب دادند و در کار کودتا کشانیدند امپریالیسم امریکا مسئول واقعی خون همه جوانان ایران است که به لحاظ شرکت در توطئه کودتا بر زمین می‌ریزد پیدا کردن چند جوان ناآگاه و افسون دمیدن در آنان در هر زمان و هر جامعه‌ای میسر است و به ویژه اجرای این اندیشه بردستگاه سازمان یافته اطلاعاتی امریکا کاری است آسان.

گناه اصلی در سامان یافتن توطئه‌های از این دست برگردن امپریالیسم امریکا و ارگانهای نظامی و اطلاعاتی و سیاسی آن است.

امپریالیسم امریکا همان است که از مدرسه کلیسا جاسوس پرداخته و از افسران جوان وطن، کودتاچی به در کشیده و دولتمردان ایران را به تردید و تزلزل نشانیده و اینک این پدیده خطرناک و استقلال شکن در پس پرده عدم دخالت در تصمیم‌گیریهای سیاسی و اقدام به حاکمیت نقش تازه‌ای میریزد. متعهد داشتن امپریالیسم به عدم دخالت در امور داخلی ایران

به قول حقوق‌دانها شرط خلاف مقتضای عقد است. اقتضای امپریالیسم دخالت در کار سایر کشورها است و کارتر بیش از یکبار ایران را در «منطقه منافع حیاتی» امریکا اعلام داشت و اگر امروز در برابر انقلاب ایران راهی به مدارا می‌بیمایند و گفتاری به نرمی بر زبان می‌آورند، به لحاظ آن است که می‌خواهند از بن‌بستی که در آن گرفتار آمده‌اند خود را به نیرنگ رهائی بخشند. بقیه در صفحه سوم

آغاز سال تحصیلی

شما فرزندان دلیر ایران بی‌هراس از تهدیدهای دست‌اندرکاران به یاری یکدیگر بر کلاسهای درس نوای مهر و شادی چیره سازید و با یکبار گرفتن روشهای انقلابی پژوهش و دانش‌اندوزی در همه آموزشگاهها، آینده‌ساز خود باشید و همراه با آن گفتگوهای اندیشه‌ای و سیاسی و حتی برخورد رای‌ها را تا جائیکه دور از تشنج باشد، نوعی کار آموزشی تلقی کنید و در راه از میان بردن کمبودها نیز به آموزشگران آرمناخواه خود یآوری دهید.

بیائید همه باهم برای از میان بردن همه ناستودگیها و زشتکاریها کمر همت بندید که به راستی میهن در خطر و زمان در گذر است.

برقرار باد همبستگی همه دانش‌آموزان

سه‌شنبه یکم مهرماه ۱۳۵۹ دبیرخانه حزب ملت ایران

در دادرسی جاسوسان باز داشت شده امریکائی درنگ نکنید.

کشور عراق خود یک دروغ تاریخی است

فصل اشتراک همه و دیگر پیوستگی های فرهنگی و تاریخی برخی از آنها با ایران، انکارناپذیر است حرکتها و جنبش های ضد سلطه و ضد استعماری و نهضت های وصل به اصل آغاز شدند. نیروهای سلطه گر دشمنان زخم خورده از انقلاب اسلامی ملت ایران، دست نشانده گان و دست پروردگان آنها در منطقه که زائیده استعمارند منافع خود را در خطر دیدند، افسوسناک و حیلها را که دست آورد سالها تجربه بود، بکار گرفتند. برآستی اگر انقلاب و دست آوردهای انقلاب ما تنها از سوی جبهه های بیرونی تهدید میشود، چه بیم که به برکت «همبستگی ملی» پیروزی نهائی نه چندان دور، در دسترس ما بود و هر توطئه خارجی نقش بر آب میشود. استعمارگران حيله گر افسوسناک که برای روز مبادا چاکران حلقه بگوش به همه رنگ و اعتقاد و آئین فراهم کرده اند به آنها دستور دادند که نغمه شوم دشمنی با ایران انقلابی را سر دهند.

امپریالیسم آمریکا نخستین مأموریت را بنام عراق این زائیده سالها تسلط استعمارگران بر منطقه کرد

کشور عراق که خود یک دروغ تاریخی است و محصول اندیشه های پلید و کردارهای ناهنجار استعمار بدین گونه موجودیت پیدا میکند که در سال ۱۸۳۱ میلادی به بعد ترکان عثمانی با گسیل پادشاهای رسمی اداره امور موصل و بغداد و بصره را که دارای گونه های خود گردانی بود، در رابطه جدیدی با امپراتوری عثمانی قرار دادند. در جنگ جهانی یکم، انگلیس ها از جنوب به سرزمین بین النهرین هجوم آوردند و بسال ۱۹۲۰ این سرزمین تحت الحمايه انگلیس شد، پس کسال بعد استعمار انگلیس این تحت الحمايه را عراق نام کرد و امیر فیصل پسر شریف حسین را که از مکه رانده شده بود به سلطنت آن گمارد، شیعیان بپاخاستند و یکی از جنبش های پرخروش و پرآوازه را پدید آوردند که به تبعید چهل تن از علمای اعلام و فقه های نامدار آن دیار به ایران انجامید.

کشور استعمار ساخته عراق بدینگونه بنیان گذاری شد و زمین پس همواره پیکاری وقفهنه پذیر بین مزدوران بیگانه از یکسو و شیعیان و کردان از سوی دیگر در عراق جریان یافت. وجود چاه های نفت و موقعیت جغرافیایی سیاسی عراق این سرزمین را کانون فتنه انگیزی های استعمار در منطقه کرد، بغداد گرانیگاه دسیسه های شوم استعمار برای چپاول و غارت ثروت ملت های منطقه و قاره شد، کارگزاران انگلیس مقیم بغداد توطئه ها را در خلیج فارس، دریای عمان و

به انقلاب نباید جفا کرد

بن بستى که امپریالیسم آمریکا در آن گرفتار آمده آزادی یا بازداشت تنى چند «جاسوس» نیست دولتمردان این کشور به راحتی از زندگی انسانها دست می شویند. آنچه آنها را به هراس افکنده، به دادرسی کشانیدن جاسوسان بازداشتی و اعلام رسمی تبه کاریهای است که زیر پوشش نمایندگی سیاسی انجام گرفته و چهره کریه این ابرقدرت را آشکار میسازد.

نیاید به مدارا و لحن نرم ظاهری امپریالیسم آمریکا دلخوش کرد و پنداشت که دیگر آمریکا در امور داخلی ایران دخالت نخواهد کرد. برعکس در اولین فرصت که آمریکا جاسوسان بازداشت شده را از چنگال دادرسی برهاند، به انتقام جوئی از جمهوری اسلامی ایران بر خواهد خاست. اگر جوانان فریب خورده میهن

ایران بر خاسته است. در این هنگامه خانمانسوز دولتیان از اتخاذ سیاست های مسالمت آمیز و پذیرش پا درمیانی فلسطینیان سخن میگویند، پرسیدنی است که میانجیگری میان حق و باطل چگونه تواند شد؟ آیا در نبرد مقدس کربلا بین سرور شهیدان و حکومت بنی امیه کسی را یاری میانه گرفتن بود؟ چه باک از اینکه کنارهای دجله و فرات دگر بار شاهد نبرد مقدس و همیشه جاوید حق و باطل گردند. اگر در میانجیگری الجزایر، نظام سلطنتی وابسته باج های بسیار داد، دریا در میانی فلسطین چه را سودا میکنند؟ از چه چشم خواهید پوشید؟ از دست آوردهای حقوق تاریخی ایرانیان؟

درد دولت نژاد گرای بعث عراق و صدام حسین کدامیک از ارزش های والای اسلامی و پایبندی به کدام میثاق اخلاقی و انسانی، سراغ کرده اید که در موضوع ضعف به پا درمیانی فلسطینی ها دلخوش داشته اید؟ بدینسان است که برغم همه نارسائی ها، با توکل بر آفریدگار پاک به پایان خوش این جنگ تحمیلی دل آزار امید می بندیم، به صدام حسین، این گسیخته از مردم عراق، این ایرانیانی که همواره پاسدار راستین اسلام بوده اند، نه تنها ارتش مزدور عراق را گوشمالی شایسته خواهیم داد، بلکه تعیین مرز طبیعی و تاریخی ایران را به شیعیان مجاور «مشاهد متبر که» و برادران کرد واگذار خواهیم کرد که ایمان داریم به پیروزی اسلام راستین، ایمان داریم به پیوند جاودانه ایران با شیعیان عراق و کردان گرد که بگفته شادروان سید حسن مدرس: «بین النهرین روح ایران است و بلکه این قطعه بین النهرین که امروز عراق عرب است و قبل از این در مجاورت یا جزیره العرب متعرب شد اساساً یک قطعه اصلی از ایران بود ما روحاً و جسماً از هر جهت به آن زمین و اهالی آن زمین علاقمندیم»

رها کردن آنان بی هیچ گفیر اعلام رسمی بر باد رفتن بخشی از دست آوردهای انقلابی می باشد. باید همگان آگاه شوند که همه پیرایشهای اقتصادی واجتماعی ماز شيوه های تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا سرچشمه می گیرد.

باید با افشاء شیوه عمل امپریالیسم آمریکا در میهن خود برای جهانیان توضیح داد که نارسائیهای فعلی زائیده ناتوانی مردم ایران نیست، بلکه پدیده آمده از دست اندازیهای ناپکارانه بیگانه میباشد. همچنانکه در شماره ۱۸ سه شنبه هفتم نامه آرمان ملت گشود شد: «دادرسی قانونی جاسوسان بازداشت شده امریکائی یک ضرورت تاریخی است».

آنچه در پیرامون ما می گذرد، گواه روشن و زنده سیاستهای فعلی و آینده امپریالیسم آمریکا است و اگر این همه رویدادهای عظیم پیرامون خود چشم فرو بندیم و نامه ادموند ماسکی و خانواده گروگانها را مبنای تصمیم خود قرار دهیم، بی گفتگو به انقلاب جفا کرده ایم. همه تاریخ دوران کنونی زندگی ملت ما تاریخ ستمکاری امپریالیسم آمریکا است و همه آنچه جراحت بر پیکر ایران خسته است اثر تیغ تجاوز این سلطه گران میباشد.

چگونه می توان این تاریخ پر درد را از یاد برد چگونه می توان اینهمه جراحت را نادیده گرفت یا باید ارتکاب جرم را در ایران آزاد و روا اعلام کنیم یا باید در کنار بزهکاران داخلی، بزهکاران بیگانه را هم به دادرسی کشید، راه دیگری در میان نیست باید به تاریخ خود و به انقلاب خود وفا کرد.

نامه های رسیده

می باشد که پس از پیروزی انقلاب، انقلابی شده و به مدیریت کل آموزش و پرورش استان ارتقاء یافته است. زیرا ایشان هنگامیکه اعتصابهای همگانی آغاز شده بود بخشنامه شماره ۱۱۰۹۷۸/۴ تاریخ ۱۳۵۷/۷/۲۵ دستور داده بود «به همکاران آموزشی آن آموزشگاه اعلام نمائید بهیچوجه کلاس درس خود را ترک ننمائید و ملزم به رعایت مقررات و حضور ب موقع در محل کارشان خواهند بود و در غیر اینصورت کسانیکه به نحوی از انحاء از رفتن بد کلاس درس خودداری نمایند جزو غیبت غیر موجه تلقی و اسامی آنان را سریعاً باین اداره ارسال نمائید.» و نیز در نامه ای که به «عنایت شرافت رابط ساواک با آموزش و پرورش» نوشت وی را «دوست عزیز» خطاب و تأکید کرده «در اجرای اوامرات حاضر».

آرمان ملت: امید است که وزارت آموزش و پرورش به این موضوع توجه خاص نماید و کسانی را به چنین کارها بگمارد که برآستی دارای گذشته های روشن هستند و از هر جهت صلاحیت خدمت به مردم را دارند. مدیر دفتر شعبه ۳۲ دادگاه عمومی تهران - حقگو

آگهی ابلاغ وقت آقای عبدالحمود رحیم خراسانی
پیرو آگهی های منتشره در روزنامه های رسمی شماره های ۱۰۰۹۶-۵۸/۷/۲۹ و ۱۰۰۹۷-۵۸/۷/۳۰ و ۵۸/۸/۱-۱۰۰۹۸ و روزنامه های انقلاب اسلامی محلی بشماره های ۱۰۳-۵۸/۸/۳ و ۱۰۴-۵۸/۸/۵ و ۱۰۵-۵۸/۸/۶ باقیان مجید شیروانی و مرتضی رنجبری مجبور المکان اخطار میشود که در روز یکشنبه ۵۹/۹/۲ ساعت ۸/۵ صبح جهت رسیدگی پرونده کلاسه ۳۲۷۲/۵۸ (کلاسه ۶۱۴/۵۷) شعبه ۷۵ شهرستان سابق) در شعبه ۳۲ دادگاه عمومی تهران واقع در خیابان جنوبی پارک شهر ساختمان شماره ۳۲ دادگستری حاضر شوید و در صورت عدم حضور شما دادگاه تصمیم قانونی اتخاذ خواهد نمود. مدیر دفتر شعبه ۳۲ دادگاه عمومی تهران - حقگو

به آقای اصغر صادقی بدین وسیله ابلاغ میشود که بانک سپه دادخواستی بکلاسه ۲۳۴/۵۹ بخواسته مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال بطرفیت شما طرح دعوی و درخواست صدور حکم رانموده چون مامور ابلاغ در تاریخ ۵۹/۴/۱۱ باقائمگاه شما مراجعه بعلمت عدم حضور شما مراتب ومفاد دادخواست طبق ماده ۹۴ آئین دادرسی مدنی اخطار ابلاغ و اعلامیه باقائمگاه شما الصاق شده اینک مراتب ومفاد دادخواست ومدارک یک نوبت در جراید چاپ و منتشر میشود که ظرف یکماه بدقت دادگاه مراجعه دادخواست و ضمائم رادریافت دارید و الا دادخواست ابلاغ شده محسوب است ضمناً جهت رسیدگی در روز ۱۳/۵۹/۱۱ ساعت ۹ صبح در شعبه چهارم دادگاه صبح تهران حضور بهم رسانید. مدیر دفتر شعبه چهارم دادگاه صلح تهران

آگهی حصر وراثت
آقای مهدی عطائی اشتیانی بشناسنامه ۴۲۴۲ اراک بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۲۲۳۰ این شعبه توضیح داده شادروان سلطان چنگیزی اشتیانی بشناسنامه ۳۱۴۱ در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۵ در گذشته متقاضی بسا مشخصات فوق الذکر پسر وتنها وارث متوفیه ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در

دروا بستگی هیچ دگر گونی بنیادی تحقق نخواهد یافت.

شکوفائی فرهنگ پیشرفت دانش و در خدمت مردم در آمدن شناختها و آگاهیهای انسانی در رابطه با آزادی و وجود نظم و امنیت در جامعه است.

تاریخ سرزمین ما نشانگر درخشندگی تمدن در زمانهایی است که نهادهای حکومتی یا از بطن فرهنگ جامعه برخاستهاند یا بنوعی خود را در پیوند منطقی و تنابعی با آن قرار دادهاند و در غیر این صورت «قدرتها» اعم از سیاسی یا اقتصادی فرهنگ را در خدمت میگردانند که در آن حال پویائی از آن سلب میشود یا با آن ستیز آغاز میگردند که بدنبال آن دورههای سقوط و انقطاع بوجود آمد.

تاریخ بیان میدارد که در سال ۵۲۹ میلادی زمانی که ژوستینی نین امپراتور روم دانشگاه مشهور آتن را تعطیل کرد، هفت تن از دانشمندان و فلاسفه آن دیار به ایران پناهنده شدند و در دانشگاه گندی شاپور بتدریس پرداختند و در دوره اسلامی نیز نمونههای فراوانی از تسامح و تساهل علمی دیده شده و بسیاری از مدرسهها و دارالعلومهای اسلامی محل علم آموزی قومهای غیرمسلمان بوده است.

همان نوشتارهای تاریخی نشان میدهد که در دفاع از حقیقت و علم، بسیاری از دانشمندان و آرمانخواهان ما جان باختند و در برابر زورگویان و ناآگاهان و غرض ورزان ایستادگی کردند. زمانی خلیفگان بغداد هر چه میخواستند میکردند چنانچه درباره ناصر لدین الله نوشتهاند فرمان داد: «تا تمامت فقها را از نظامیه بیرون کردند و بجای ایشان طویله اسبان و استرآن بزدند و مدتی، مدرسه نظامیه در عین بغداد، مربوط دوای و محل کلاب بود» (تجارب السلف ص ۳۲۵).

یا صاحب قدرتانی چون محمود غزنوی میخواستند در نامهای به «خلیفه خرف شده» بنویسند: «من از بهر عباسیان انگشت در کردهام در همه جهان و قاسم را میجویم و آنچه یافته آید و درست گردد بردار می کشند» (بیهقی ص ۱۸۳) که البته بقول آن فرزانه شعوبی سخنش «پادشاهانه» نبوده است! گاه ستمگران ضد فرهنگ در لباس اهل سنت (سنی اموی) بدین زشتکارها دست میزدند چون عبیدخان ازبک: «هر روز بحکم آن خان بیایمان پنج شش کس بواسطه تشیع باقوال جهال در چهار سوق هرات کشته میشدند و روستائیان بی دیانت و شهریان با خیانت با هر کس که عداوتی داشتند او را گرفته نزد قاضی می بردند که این مرد در زمان قزلباش لعن ابوبکر و عثمان کرده است، بسخن آن دو گواه جاهل، قاضی بقتل آن مظلوم حکم میکرد و او را کشتن کشتن بچهار سوق هرات می بردند و بقتلش می آوردند و از شومی ایشان امواج محن و افواج فتن بدرجه اعلی رسید و سلب و نهب در اطراف خراسان واقع گردید» (احسن التواریخ در وقایع سال ۹۴۲ هجری).

گاه قدرت طلبان بیرحم بنام تشیع (شیعه صفوی)، به بد کرداریهای خود حقانیت میدادند بگونههای که علمای شیعه در آذربایجان خطاب به شاه اسمعیل نوشتند:

«قربانت شویم، دویست سیصد هزار خلق که در تبریز است چهار دانگ آن همه سنی اند و از زمان حضرات تا حال این خطبه را کسی بر ملا نخوانده و می ترسیم که مردم بگویند که پادشاه شیعه نمیخواهیم و نموده بباله اگر رعیت بر گردند چه تدارک در این باب توان کرد؟» پادشاه فرمودند: «مرا به این کار بازداشتند و خدای عالم و حضرات ائمه معصومین همراه منند و من از هیچکس باک ندارم بتوفیق الله تعالی اگر رعیت حرفی بگویند، شمشیر میکشم و یک کس را زنده نمیگذارم» (بنقل از کتاب تاریخ شاه اسمعیل برگ ۴۴ آ).

آشکار است که در این روزهای فضیلت سوز و بی کمال، شهادت و مال اندوزان بی ایمان، در زمره «اصحاب قدرت» درمی آیند چنانکه یک سیاح ایتالیائی در رابطه با قدرت طلبان صنوی مینویسد: «جماعتی که صوفی هم نبودند در زیر لوای او (شاه اسمعیل) گرد آمدند تا به اخذ این قبیل انعامات از طرف اسمعیل نائل گردند» (بنقل از تاریخ ادبیات ایران ترجمه رشید یاسمی ص ۶۶). عجیب است این گروه «جدیدالاعتقاد!» تماماً مدعی و صاحب فضیلت هم می شوند بقول جمال الدین اصفهانی:

همه عامی و آنکه از بی فضل لاف پیمای و ژاژخا باشند و باز بقول او:

هر که او را هست معنی کمترک بیش بینم لاف ما و مای او

اما آنکه اهل علم و تقوی و دانش و فضیلت بودند و زندگانی ننگین زیر «چماق» شهادت دیندار نما و

نه مؤمنان بی تخصص ونه متخصصان بی ایمان دوران سازندگی انقلاب به درآمیختگی ایمان با تخصص نیاز دارد

جاهلان بی فضیلت را نمی پذیرفتند، یا «کشته می شدند» یا «خانه نشین» می گشتند و بقول عبدالواسع جیلی:

هر عاقلی بی زوایه ای می باشد
هر فاضلی بداهیهای گشته مبتلا

و گروهی که توان بیشتری داشتند «جلای وطن» اختیار میکردند چنانکه در جلد سوم کتاب منتخب التواریخ بدائونی نام و ذکر احوال ۳۸ تن از مشایخ بزرگ و ۴۹ تن از فضلا و علمای مشهور و ۱۵ تن از حکما و پزشکان متخصص و در حدود ۱۶۲ تن از شاعران و هنرمندان آمده است که همگی در هندوستان اقامت گزیده اند، اما زادگان ایران بودند و بزبان فارسی سخن گفتند و بهمین زبان بنشر آثار خود مبادرت ورزیدند (همانجا ص ۱۸۸).

در این «فرار مغزها» که شاید چشمگیرترین آنها در تاریخ ایران باشد، بی شک از آنچه «عامل جاذبه» دستگاه سلطنتی اکبرشاه هندی دخالت داشته باشد، «عامل دافعه» نظام صفوی بود که اندیشموران و هنرمندان را بفرار از زادگاه خود ترغیب میکرد و به تحقیق وجود سلطه قشربان حکومتی باین امر گواهی میدهد.

نابسامانیهای برشمرده، زمانی شدت و تندتد بیشتری می یافت که قومهای غیرایرانی به میهن ما هجوم می آوردند و بساط فرمانروائی می گسترند و در آن حال، زندگی فرزندان ما، داستان روبهتان انوری ایبوردی میشد که میگوید!

روبهی میدوید در غم جان
روبهی دیگرش، بدید چنان

گفت خیر است، بازگوی خیر
گفت خر گیر میکند سلطان

گفت تو خر نه ای چه می ترسی!
گفت آری ولیک آدمیان

می ندانند و فرق می نکنند
خر و روباهشان بود یکسان

زان همی ترسم ای برادر من
که جو خر برهنند مان پالان

دانشمندان ایرانی در این شرایط سخت بزرگترین میراثهای علمی را بیادگار نهادند و با اینکه از یافتههای دیگر قومها و ملتها اقتباس کرده اند، اما خود نیز در تحول همه علوم و فنون و نوآوریهای فرهنگی کوششهای زیاد بعمل آوردند.

از بدو شکوفائی تمدن اسلامی، دانشمندان ما می دانستند که یک فرد به تنهایی توانائی شناخت همه چیز را ندارد و بهمین دلیل مسأله «تخصص» که در گستردگی دانشهای بشر سهم بسزا دارد، طرح گردید.

«تخصص» علمی و فنی که در تاریخ بدنبال «تشیع» علوم و فنون پیدا شده برای نیاکان مسلمان ما نه تنها امری آشنا و مورد قبول بود بلکه آن گرانمایگان خود نیز در راه پیشرفت این واقعیت علمی کوشش کرده اند.

دانسته و روشن است که اندیشه و ر ان مسلمان اعم از ایرانی و غیرایرانی، دانش را پدیده های جامع و جهانی میدانستند و به آن ارج فراوان می نهادند و در فراگیری و آموزاندن آن هیچ مرز جغرافیائی و نژادی و جنسی را نمی پذیرفتند. علم مورد اعتماد آنان که بطور جامع بررسی میشد همگانه اعتقاد به رده بندی علوم و آموختن یک رشته را بطور تخصصی بدنبال داشت و تخصص در پیوند با علم بملحک شناخت نزدیک میگردد. بزبان روشن تر متخصصان علمی ما انسان های یک بعدی و بی جامعیت تربیت نمیشدند و این گروه برگزیده فرهنگی، اعم از اینکه علم را بگونه جامع و فلسفی مورد توجه و مطالعه قرار میدادند یا متخصص در رشتهای میشدند، زمانی در جامعه ارجمندی می یافتند که کردارهای خود را با اخلاق و فضیلت در می آمیختند. بدیگر سخن دانشمندان بی اعتقاد و بی عمل به هیچ روی مورد احترام نبودند و مردم از آنها دوری میکردند.

علم را «آدمیت و جوانمردی و ادب» می دانستند و عمل نکننده به علم را «شاخ بی بر» می شمردند: علم آدمیت است و جوانمردی و ادب با علم اگر عمل نکنی شاخ بی بری (ناصر خسرو)

دانش پژوهان بی کردار را در حد جاهلان قرار میدادند: علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی (سعدی)

شده اند گهگاه با سرو صداهای تبلیغاتی فراوان کاردانی و کارآموزی را به مسخره می گیرند و بسیار غیر مسئولانه سخن بی نیازی از علم و فن و ناسودمندی تخصص بمیان می آورند. بگروهک هایی که گاه دارای سابقه های ناهنجاری هم هستند ماموریت «تصفیه» در سازمان های علمی و پژوهشی کشور را میدهند.

بی آنکه بدانند و بفهمند همراه چند عنصر فاسد و بد کردار صدها دانشمند و پژوهشگر و متخصص را از کار باز میدارند و مرکزهای تحقیقاتی را یکی پس از دیگری تعطیل میکنند.

علم و علم آموزی که در اسلام بی اندازه مورد تجلیل قرار گرفته است برای این گروهک ها «طاغوت» می شود علما و فضلای راستین که در اسلام «ورثه انبیاء» هستند و برخی از آنان در حد پیامبران بنی اسرائیل می باشند، پناه بر خدا، «اعوان طاغوت» می گردند و عدهای عهددار کارهایی می شوند که درباره بخشی از آنان باید از جمال الدین اصفهانی مدد خواست که میگوید:

هریکی در ولایت و ده خویش کفش دزد و کله ربا باشد

اگر زبان نصیحت و اعتراض بگشائی خواهندت گفت که مابه «متخصص احتیاج نداریم باید مومن بود»

کسی نیست از این گروهکها بیرسداولا به چه دلیل شما ایمان دارید و دیگران ندارند ثانیاً کجای اسلام و قرآن بیان داشته است که ایمان بی علم و تخصص کافی است ثالثاً طبق کدام مدرک خدایسندانه و اسلام پذیرانه متخصصان جامعه را بی ایمان و بی اعتقاد به انقلاب میدانید رابعاً اسلامی که میخواهد و می تواند جهان را بنور هدایت بکشانند چرا حرکت دگرگو ن سازش را از همین متخصصان بقول شما «طاغوتی» آغاز نمی کند؟

اما چند پرسش دیگر از کسانی که خوراک تبلیغاتی برای این گروهکها فراهم می آورند: آیا شما که باهلیکوپترها و هواپیماهای مردم هرروز بگوشه های از کشور مسافرت می کنید اگر بدانید خلبان شما مردی مومن و صادق است اما کارش را خوب نمی داند شما را به خدا سوگند آیا سوار آن هلیکوپتر و هواپیما می شوید؟

آیا شما که بهر گوشه این وطن رها شده با چند پاسدار عزیمت می کنید اگر بدانید که پاسداران شما تمام آداب عبادات را می دانند و ایمان و اعتقاد هم دارند اما ساز داشتن هشیاری لازم و نشانه گیری به اندازه برای زدن دشمن محروم هستند شما را بخدا سوگند آیا بازم آن را به همراه می برید؟

آیا شما که اتومبیل های «طاغوتی» را زیر پا دارید اگر بدانید راننده تان «ناشی» است و ممکن است هر آن تصادف کند، ولو «شکیات و سهویات» نماز را خوب بداند، شما را بخدا سوگند آیا بازم او را برانندگی می پذیرید؟

بر همین قیاس آیا سراغ هر دندانپزشکی می روید؟ آیا چشمتان را در اختیار هر چشم پزشکی می گذارید؟ اگر قلبتان درد بگیرد و بعمل جراحی نیاز داشته باشد برایتان ترجیح دارد که جراح «تجویذ قرآن» بداند یا به آخرین تجهیزات علمی و پزشکی آگاهی داشته باشد؟ شما که برای کارهای شخصی و زندگی خصوصی خود آن اندازه دقت می نمائید تا بهترینش را انتخاب کنید و متخصص ترینش را به خدمت آورید چرا برای جامعه مسلمان چنین فکر نمی کنید؟ چرا نمی خواهید بهترین را برگزینید و متخصص ترین را بکار بگذارید؟ چرا میخواهید جامعه ما را نابود کنید؟ چرا میخواهید میهن ما را، خانه ما را، آشیانه ما را ویران سازید؟

قرآن بما می آموزد که از سرگذشت ملت های دیگر عبرت بگیریم، چرا از سرگذشت ملت های جهان پند نمی گیرید؟ در روسیه پس از انقلاب اکتبر لنین با تاسیس آکادمی علمی همه دانشمندان را با احترام هر چه تمامتر بکار گماشت حتی آنانی که باتزار همکاری داشتند.

در چین پس از انقلاب تلاش فراوان بکار رفت تا همه دانشمندان چینی که از کشور رفته بودند دوباره به میهن خود باز گردند و بفعالیت های علمی مشغول شوند.

در آلمان هیتلری که دانشمندان به جرم بی اعتقاد بودن به نظام نازیسم از کشور اخراج شده بودند، سرانجام «بمب اتم» را در کشورهای بیگانه ساختند که بدنبالش مصیبت های فراوان بوجود آمد.

امریکا و روسیه که در جنگ دوم جهانی آلمان را اشغال کردند، کوشش اصلی شان

بزرگترین جهاد، ساختن فرزندان ایران است.

نه تنها رشد اقتصادی و نیروی دفاعی ما به آموزش بهتر و گسترده نیاز دارد و بلکه استواری ارزش‌های اخلاقی نیز در گرو شناخت افزون‌تر می‌باشد. ایمانی که از آگاهی کامل برخوردار نباشد، تزلزل پذیر و شکستنی است.

برای پاسداری از دستاوردهای خونین انقلاب، جوانان با ایمان را باید با چراغ دانش به نبرد با تاریکی‌هایی که افق میهن را فرا گرفته است فرستاد. امید میرفت، نهادهای آموزشی که در تنگنای خفقان آور سلطنتی و وابسته به بیگانه از پویایی بازمانده بود با انهدام آن سامان جهنمی مورد واری قرار گیرد، کمبودها شناخته شود و با دگرگونی‌های ریشه‌دار، زمینه‌های بارور ساختن نیروی فکری جوانان ایجاد گردد، که پس از پیروزی انقلاب دستگاه آموزش کشور در دایره بسته خشک سرپا و اندیشه‌های کشور دچار حرکت دورانی گردید.

بالانشینان ندانستند که درنگ در فراهم ساختن وسیله‌های آموزشی بگونه‌ی کاستن از قدرت اقتصادی و دفاعی کشور و دور شدن از ناوابستگی‌ها که هدف بزرگ انقلاب است، می‌باشد. امروز بدنبال عملکردهای نادرست کار بدستان نیروی عظیمی از جوانان ما، این پیشقراولان انقلاب، بی‌حاصل مانده است. وادامه‌ی چنین وضعی، پدیدار شدن و گسترش روح نومیدی و سوق دادن آنها بسوی کج رویها و تباهی‌ها را در بر دارد.

دگرگونی در نظام آموزشی کشور بگونه‌ای که با جدول ارزش‌های انقلاب سازگار گردد و تمامی نشانه‌های فرهنگ استعماری از آن زدوده شود، ضرورتی حیاتی است و به آموزش عالی منحصر نمی‌شود.

ولی چنین تغییر بااهمیتی، نیاز به فراهم آوردن زمینه و بهره‌گیری از تمامی امکانات دارد. همه‌ی جوانب کار بایستی در نهایت درایت و بی‌غرزی و بدون از پیشداوری و با توجه کامل به

گرفته و هرروز با تحلیل‌های سیاستمداران، تحمیل‌های بی‌گامه‌ریزی شده خود را گفترش می‌دهند از پرده بیرون می‌افتد.

دریغ که یکبار دیگر صدای شوم پای نحس خودکامگی گوشه‌ها را می‌خراشد و دل‌ها را از هراس می‌انبارد. شگفتا که دیروز سانسور اندیشه و گفتار و نوشتار و تحمیل نوع پوشش در دستگاه استبدادی وابسته به بیگانه گناهی نابخشودنی بود و مبارزه علیه آن وظیفه و امروز همه‌ی آن زشتکارها از جانب بالانشینان در جهت پیشبرد انقلاب تلقی می‌شود!

دیروز گفتگوهای اندیشه‌ای و سیاسی کارساز انقلاب بود و امروز عملی ضدانقلاب به حساب می‌آید!

به راستی که انحصار طلب در همه زمان‌ها و در تمامی مکان‌ها کنش‌ها و واکنش‌های یکسان دارد و نیز هرگز از تاریخ نمی‌آموزد. در این میان آنچه نباید فراموش کرد حضور نسلی است که هنوز سودایی آن را به دغلکاری نگشیده و توانست که همه‌ی دیوارهای بلند تردید را فرو ریزد و فضای پردلهره و نازیبای میهن را با رابطه‌ی انسانی و سرشار از مهر و احترام تحمل‌پذیر سازد.

نسلی که در فراز و نشیب یکی از بزرگترین انقلاب‌های جهان ملتها آنچه آموختنی است فراگرفت و خویش را بروشنی باز یافت نه تسلیم تصمیم‌گیری‌های نسنجیده می‌شود، نه به اخلاخلگران فرصت و نه به انحصارطلبان میدان می‌دهد.

با چشم باز، و با بهره‌گیری از حافظه‌ی دقیق خود راه را از چاه می‌شناسد و هنگامه پرخطر میهن را درمی‌یابد.

این نسل که فردای ایران با دست‌های توانای آن ساخته می‌شود. بی‌هراس از تهدیدها و به اتکای نیروی بی‌پایان ایمان خود راه آینده را می‌پوید و همه‌ی ناستودگی‌ها و زشتکاری‌های ناشی از قدرت‌طلبی را از دامان پاک انقلاب خواهد زدود. چنین باد.

نقش دگرگون‌ساز مصدق در تاریخ ایران

نظامی ایران را در مکانیسم این وابستگی شوم و ضدانسانی شکل داد و حاکمیت ملت ما را پایمال ساخت.

انقلاب اسلامی ملت ایران فقط در پایان دادن به استبداد سلطنتی و تغییر «مهره»‌های سیاسی نبوده چه مردم بپاخاسته و آگاه ما، استبداد حاکم بر کشور را در پیوند استعماری میدانستند که توسط امریکای جهان‌خوار هستی ملی ایران را بپورطه نابودی کشانده بود و بزبان دیگر در نبرد علیه استبداد، نابودی استعمار و هر نوع سلطه بیگانه مورد توجه قرار میگرفت و بزبان رهبر انقلاب، پس از سقوط رژیم، انقلاب بزرگتر ملت ایران در راستای نبش سردهای ضدامپریالیستی تحقق می‌یافت.

اشغال لانه جاسوسی امریکا و دستگیری جاسوسان که در پوشش کاربدستان دیپلماسی امریکا عمل میکردند، واکنش طبیعی و انسانی نسل جوان و پرخروش ایران بود، بدنبال حقانیت انقلابی، برخی گفتگوها بوجود آورد که منجر به فرستادن نامه‌ای از سوی نمایندگان کنگره امریکا گردید. اکنون که نمایندگان ملت در حال تهیه پاسخی همه جانبه برائت‌اساس سندهای تاریخی جنایت‌های امریکا در ایران هستند و می‌خواهند بطور قاطع در برابر این ابرقدرت جهان‌خوار موضعگیری نمایند، گروهی ناآگاه و غرض‌رورز بر عهده‌گشایی‌های بیمارگونه بهمان کردارهای دسیسه‌آمیزی پرداخته‌اند که یکبار «استادان» آنها در دوران حکومت تاریخی دکتر مصدق، موجب شکست نهضت ملی ایران گردیدند.

بدیگر سخن یکبار بداخلاقی‌ها و خودبینی‌ها و شاید هم صف یگانه مردم پدید آورد که سرانجامش بیست و پنج سال زیر سلطه قرار گرفتن، بود و اکنون با طرح دوباره همان تفرقه‌افکنیها، در شرایطی که دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران از همه سو به میهن ما تاخت آورده‌اند، می‌خواهند آگاهانه یا ناآگاهانه انقلاب را به نابودی بکشانند.

نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق که طبق تمامی حقوق شناس ایران به یاورسرتانی‌ها گوش نخواهد داد و سیاست‌دار همه خدمتگزاران راستین کشور خواهد بود و برعکس، این دسیسه‌های پنهان و آشکار خود روشن می‌سازد که دکتر مصدق نقش دگرگون سازی را در تاریخ ایران برعهده داشته است و بهمان سان که بیست و پنج سال تبلیغات شوم دستگاه سلطنت استبدادی وابسته بیگانه از یکسو و تاریخ‌سازیهایی ذهن‌گرایانه جناح چپ «موازنه مثبت» از سوی دیگر، نتوانست چهره درخشان آن مظهر راستین استقلال را از نظرها پنهان بسازد این غرض‌ورزیها نیز، کوچکترین دگرگونی در داوری مردم بوجود نخواهد آورد.

ملتی که وفادار به قهرمانان خود می‌باشد سعت

مطلبی است که ملت

حق شناس ایران به یاورسرتانی‌ها گوش نخواهد داد و سیاست‌دار همه خدمتگزاران راستین کشور خواهد بود و برعکس، این دسیسه‌های پنهان و آشکار خود روشن می‌سازد که دکتر مصدق نقش دگرگون سازی را در تاریخ ایران برعهده داشته است و بهمان سان که بیست و پنج سال تبلیغات شوم دستگاه سلطنت استبدادی وابسته بیگانه از یکسو و تاریخ‌سازیهایی ذهن‌گرایانه جناح چپ «موازنه مثبت» از سوی دیگر، نتوانست چهره درخشان آن مظهر راستین استقلال را از نظرها پنهان بسازد این غرض‌ورزیها نیز، کوچکترین دگرگونی در داوری مردم بوجود نخواهد آورد.

خدمت بی‌ریای آنها به آرمانهای دینی و ملی است و بهمان سان که از مدرس بزرگ آن مجتهد مجاهد، تمجید میکند، به تلاشهای فرزانه آزادیخواه و استقلال طلب دکتر محمد مصدق نیز ارج می‌نهد و اکنون نیز در روند عظیمترین حرکت‌های تاریخی به امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی عشق می‌ورزد و اجازه نخواهد داد با طرح نظرهای گمراه کننده به وحدت جامعه آسیب وارد شود و بنیادی‌ترین هدفهای انقلاب یعنی نابود کردن هر نوع سلطه خارجی، از جمله سلطه شوم امپریالیسم امریکا در بوته فراموشی قرار گیرد.

زمان، زمان پاسخگوئی قاطع به کنگره امریکا است زمان، زمان نشان دادن دقیق همه جنایتهای بیست و پنج ساله امپریالیسم امریکا است

زمان، زمان نشان دادن حقانیت ملت ستمدیده ایران است این حرکت تاریخی به هوشمندی و آرامش و یگانگی نیاز دارد و هر کس جز این کند، در خط امپریالیسم امریکا قرار گرفته و آگاهانه یا ناآگاهانه در راه «ضدانقلاب» گام برمیدارد.

آگهی حصر وراثت

خانم رباب موسوی گاوگانی بشناسنامه ۳۹ آذر شهر بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۲۵-۲۱۳۹ این شعبه توضیح داده شد و اعلام می‌گردد که در تاریخ ۵۹/۴/۸ ۱۰۵۹۱-۱ متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر ۲- بانو مولود کباب به شناسنامه ۴۱۷۸۲ صادره از تهران همسران دائمی متوفی ۳- عصمت حسینان به شناسنامه ۲۲۴ صادره از مشهد ۴- محترم حسینان به شناسنامه ۵۷۷ صادره از مشهد دختران متوفی ۵- محمدرضا حسینان به شناسنامه ۸۰۶ صادره از تهران ۶- علی‌رضا حسینان به شناسنامه ۳۲۷۸ صادره از تهران ۷- حمیدرضا حسینان به شناسنامه ۸۸۷ صادره از تهران پسران متوفی ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. ۱۴۷۲۲-۱-۳ رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران- محمدابراهیم طائف

بیائید «مومنان» صادق را که از «تخصص» بهره ندارند به مرکزهای آموزشی گسیل دارید و از آنان کارشناس با ایمان بسازید. از لجاجت دست بردارید و دانشگاه‌ها و مدرسه‌های عالی کشور را باز گشایید، علم و فن مورد نیاز یک جامعه رها شده و انقلابی را احترام گذارید و به پژوهندگان بیاموزانید.

جامعه آسیب دیده و میهن بلادیده و ملت ستمدیده ما به شناخت و کارآزمودگی نیاز دارد و همه گاه در پیوند با «دانش» بوده است.

بیائید همه علوم و فنون بشری را در خدمت اسلام قرار دهید، بیائید از انقلاب اسلامی ملت ایران، «نظام نمونه» محکمی بر پیکره فرهنگی کشور وارد آمده است هنوز هم می‌توان قامت فضیلت استوار داشت بشرط اینکه قامت

دین را دست آویز نکنید، به دین عمل کنید. بکوشید متخصصان را اگر بی‌ایمان هستند با «حکمت» و «موعظه حسنه» علاقمند به نظام جمهوری اسلامی نمائید و از تخصص آنان برای ساختن ایران دارای استقلال و برای نجات ملت‌های بزنجیر استعمار کشیده، برخوردار گردید.

بخود آئید که ما استیرشدگان سرمایه‌پرستان مغرب زمین، رسولان راستین علم بودهایم و سرزمین‌های ما «گهواره تمدن» بوده است و اسلام، بشارت دهنده حقیقت‌جویی و آزادی.

نام بلند آوازه ایران را آلوده نسازید و دانسته و ندانسته «بازار دست» پس‌مانده‌های رژیم ساقط شده نگردید و با بیدانسی‌های خود ابرقدرت‌های وحشت‌زده را شادمان نسازید. چون «مکیان» در «بطحا» بخواب اندر نشوید که بناگاه «چینیان» از یکسوی جهان «احرام» به‌بندند!

چهره اسلام مقدس را که پاسداری علم و فن را در قرنهای گذشته عهده‌دار بود به گرد گمراهی‌های خود نیالائید و نگذارید «ایران اسلامی» بگونه «بسیاگاه» بسازیم. هنوز هم دیر نشده است با اینکه ضربت‌های نادانی و تعصب» درآید و به شکوه‌مندی انقلاب آن خدشه وارد گردد.

دین را دست آویز نکنید، به دین عمل کنید. بکوشید متخصصان را اگر بی‌ایمان هستند با «حکمت» و «موعظه حسنه» علاقمند به نظام جمهوری اسلامی نمائید و از تخصص آنان برای ساختن ایران دارای استقلال و برای نجات ملت‌های بزنجیر استعمار کشیده، برخوردار گردید.

تأمین کننده استقلال جامعه است بدون کارآزمودگی میتوان پیش رفت؟

آیا در زمانی که امریکای جهان‌خوار با شیوه‌های گوناگون در جذب مغزها در هر رشته تلاش میکند، بزرگترین خیانت گسیل داشتن بهترین متخصصان ایرانی به آن دیار نیست؟

آیا میدانید که کشورهای اروپایی مغزهای کشورهای جهان سوم را می‌رباید و امریکا مغزهای کشورهای اروپایی را و شما فراهم‌آورندگان زمینه بودن مغزها هستید و باین اعتبار دانسته با ندانسته از عامل‌های امپریالیسم بشمار می‌روید؟

بیائید اندکی مسئولانه و بگونه یک مسلمان واقعی به مسائل توجه نمائید بقول امام خمینی «ملت را پاره‌پاره نکنید»، از انحصارگرایی دست بردارید، به خودپسندیها و خودمحوربینی‌ها پایان دهید ایمان بیاورید و در خط هدایت مردم باشید و نه در خط فریب دادن آنان، بدانید که ملت بیدار شده فریب نخواهد خورد.

ای کسانی که بنام «انقلاب، بنام «تعهد»، بنام «مکتبی بودن» علم زدائی میکنید! بدانید که اسلام دین علم است. تعهد اسلامی علمی است، مکتب اسلام بر پایه علم استوار است. ای دهندگان چماق و ای چماق‌بدستان!

«دزدیدن» متخصصان بود. گویا که بدنبال انقلاب، ندانسته بهترین

«مغزها»ی خود را به امریکاصادر کرد هم اکنون با داشتن چهارده هزار متخصص روسی، بگونه یک کشور وابسته در آمده‌است.

کار بدستان جمهوری اسلامی ایران! چرا مغزهای کشور را فرار میدهید، شمائی که مغزهای فرازی شده سلطنت استبدادی را می‌توانستید به کشور باز گردانید؟

حساب گروهی «روشنفکر خود فروخته» و «پوروگرات»‌های توجیه‌کننده و «فنی شده» و خائنی را که در خدمت نظام استبدادی وابسته به بیگانه بودند، از حساب متخصصان و پژوهشگران علاقمند به انقلاب اسلامی ملت ایران جدا سازید. میراث‌های بشری را که ملت ما در بوجود آوردن آن سهمی بسزا داشته است مسخره نکنید، دانش را به استهزاء نگیرید.

آیا بدون تخصص «فانتوم» بهوا می‌رود و حراست جمهوری اسلامی ایران تأمین میگردد؟ آیا در تاروپود اقتصادهای سلطه‌گر که به آخرین بررسی‌ها مجهز هستند می‌توان بدون تخصص به مقابله برخاست؟ آیا در امر سیاست خارجی کشور که

ارگان حزب ملت ایران

نکته ها...

منفعت اقتصادی گروگانگیری!

حجت الاسلام دکتر بهشتی رئیس دیوانعالی کشور اخیراً گفته است: «... اصولاً در پرتو این اقدام (گروگانگیری) حتی سودهای اقتصادی هم بردمایم. مقدار زیادی از نفتمان را مفت نفروخته ایم که پولهای آن را در بانکهای جهانی ذخیره کنیم و ارزش آن هر روز افت کند کالاهای مصرفی بیجا را به کشورمان کمتر راه دادیم و...»

به روباه گفتند...!

آسوشیتدپرس - امان - منابع رسمی در اردن گفتند که ملک حسین، پادشاه اردن از مبارزهای که عراق بر علیه ایران در پیش گرفته، حمایت کرده است. منابع مذکور اظهار داشتند که ملک حسین در یک مکالمه تلفنی به صدام حسین گفته است که ما میل داریم موضع اردن را در پشتیبانی و حمایت از دولت عراق، در دفاع از خاک خود! اعلام کنیم.

پاکسازی در پاکسازی!

این روزها انتقاد از نحوه پاکسازیهای انجام شده بشدت رواج دارد، حجت الاسلام ربانی املشی عضو شورای انقلاب فرهنگی در این رابطه میگوید: «در گذشته پاکسازی صدرصد اسلامی انجام نشده است زیرا دیده شده کسی که خود عضو کمیته پاکسازی بوده آمده و گفته است که من پاکسازی شدم و در موارد دیگری هم اعتراضاتی به نحوه پاکسازی شده است و این نشان میدهد که در بعضی از پاکسازیها، تصفیه حسابهای شخصی و خصوصی دخالت داشته بنابراین پاکسازی قبلی دانشگاه صدرصد مورد تأیید ما نیست و در این امر، تجدیدنظر هم خواهیم کرد و گروههای جدید برای ادامه پاکسازی انتخاب خواهند شد که این گروهها در مورد پاکسازیهای قبلی نیز تجدیدنظر کنند.»

توجه به جنبه های عبرت انگیز و پندآموز کاخ «مهر شهر»!

در خبرها آمده بود که ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه ای اعلام کرده است که حفظ امنیت و برقراری «نظم اسلامی» محیط کاخ مهر شهر، بعهد سپاه پاسداران، کرج میباشد. در این اطلاعیه اعلام شده است: «بازدید از کاخ صرفاً جنبه تفریحی ندارد، بلکه بازدید کنندگان باید به جنبه های عبرت انگیز و پندآموز مسئله توجه کنند.»

چگونه هیئت بررسی مشکلات بر مشکلات می افزاید؟! چگونه هیئت بررسی مشکلات بر مشکلات می افزاید؟! چگونه هیئت بررسی مشکلات بر مشکلات می افزاید?!

هفته گذشته نماینده کرج در مجلس، طی تلگرافی که به دادستان انقلاب اسلامی مخابره کرده چنین نوشته است: «آقای قدوسی دادستان انقلاب اسلامی - بی فکری هیئت ویژه بررسی مشکلات صنایع ایران بر مشکلات صنایع افزوده و کارخانه سیمان آبیگ کرج را خوابانده، لار سال» سیمان به کردستان قطع گردید، کارگران بیش از پنج میلیون تومان طلبکارند اگر فوری رفع مشکل نفرمائید اجازه دیدن من از صندوق نهال جاویدان کرج قرض کنم و کارخانه را راه بیاندازم، ضمن اینکه کارخانه همین الان بیست و یک میلیون تومان پول دارد.»

سازش بین کمونیست ها و متخصص ها

در جلسه گشایش کنفرانس مشاوره سیاسی خلق چین که همزمان با کنفرانس ملی خلق تشکیل شده است، «دنگ زیائوپنگ» از مردم خواست در ضمن گسترش استعدادها و مهارت هایشان، افکار مارکس، لنین و مائوتسه تونگ را مورد مطالعه قرار دهند. ناظران سیاسی مسئله فوق را نوعی سازشکاری میان رهبرانی که معتقدند کمونیست بودن مهم است و آنانکه متخصص بودن را در درجه اول میدانند، تلقی کرده اند. به این ترتیب بنظر میرسد که مسأله «مکتب» و «تخصص» منحصر به ما نیست و همه انقلابها به نحوی با آن برخورد دارند.

تولید یا توزیع

ما را سخت تیره و اندوهبار ساخته است. این نابرابریها، آرامش را از صحنه گیتی بازستانیده و ماجرای زندگی جامعه های بشری را با آتش و خون درهم آمیخته است. غارت شدگان صحنه اقتصاد «نظم جهانی غربی» دیگر نمیخواهند این نابرابری دردناک را بپذیرا باشند و تهیدستان میروند تا بر توانگران بشورند.

نابرابری زمان ما، کهن نیست، این نابرابری با آنچه در گذشته بود تفاوت بسیار دارد، نه در گذشته دور که در گذشته نزدیک هم نابرابری چنین دردناک و عصیان انگیز نبوده است.

در قرن شانزدهم چین از انگلستان ثروتمندتر بود ولی انگلیسی خود چندان بیشتر نعمت نداشت و کارگر و روستایی چینی نیز گذران چندان بهتر از کارگر و روستایی انگلیسی نبود. ولی امروز کارگر و روستایی انگلیسی بسیار بهتر از کارگر و روستایی چینی زندگی می کند. خوردن و پوشیدن و آموختن و تفنن این دو با یکدیگر تفاوتهای چشمگیر بسیار دارد.

در جهان معاصر ما بسیاری از کارگران و روستائیان کشورهای صنعتی ثروتمند از صاحب دولتان کشورهای غیرصنعتی کم درآمد، گذرانی بهتر دارند. نعمت و ثروت در زمان کنونی بی تناسب، توزیع شده است و کشورها به دارا و نادر تقسیم شده اند در درون خود نیز نابرابری را فراوان جای دادند.

در درون هر کدام از این گروه کشورها ستیزه دار و نادر در گیر است و در میان کشورها نیز این معرکه برپا است.

آنچه تردید پذیر نمی باشد آن است که این درگیری و معرکه باید در جایی پایان یابد و اگر ندارها و تهیدستان، توانگر نشوند، ناگزیر داریان و تهیدستان، ناتوان خواهند شد. یک سوم از نسل انسان در رفاه و لذتی بی سابقه تفرج می کنند و دوسوم از انسانهای سطح خاک به گرد محنت آلوده، همه عمر به تن و جان رنج می کشند.

ملتهای غارت شده از آنچه در جهان می گذرد بی خبر نیستند. آنها دانسته اند که دیگر ملتها چگونه در ناز و نعمت بسر می برند و بر ناکامی خود هیچ دلیلی نمی بینند. این ماجرا قابل ادامه نیست و مدت کوتاه دیگری هم شاید بپاید ولی برای همیشه حفظ این وضع غیر ممکن می باشد.

کشورهای نادر می گویند که توانگر شوند و از شمار کمزوریان برون آیند ولی تاریخ هفتاد سال اخیر چنین نشان می دهد که این گروه کشورها در تلاش خود کامیاب نبوده اند و بعد از پایان یافتن جنگ جهانی یکم تاکنون دیگر هیچ کشوری نتوانسته است به راستی مصیبت عقبماندگی را درهم بشکند و از صف فقیران خارج شود.

دهسال بعد فردریک انگلس در مقدمه ای بر اثر نیمه کلاسیک مارکس به نام (شرایط طبقه کارگر در انگلستان)، به ناچار پذیرفت که دیگر فقیران فقیرتر نمی شوند و از رهگذر این تحول اساسی «انقلاب اجتناب ناپذیر»! پرولتاریا برای مدت پیش بینی نشدنی به تأخیر افتاده است. سی سال بعد در فجر جنگ جهانی نخست مارکسیسم درخشش و پیوندگی خود را در کشورهای صنعتی پر درآمد بکلی از کف داد و تلاش پیروان آن برای بدل کردن جنگ «امپریالیستها» به «جنگ طبقاتی» بی حاصل ماند.

در پیشگاه علم، مارکسیسم دیگر آن موج گذارنده و سازنده تاریخ نبود و به یکی از مکاتب فکری بدل شده بود که در مجموعه سیستم سرمایه داری به راحتی جای داده شد.

با همه بحرانا و جنگها و فرو افتادنها و برخاستنها، هیچ کشور صنعتی به مسیر انقلاب کمونیستی کشیده نگردید. فرو نشستن موجهای بلند جنبشهای انقلابی که از مارکسیسم جوشیده بود در کشورهای اروپای غربی ظهور موج بلندتر مائوئیسم را در کشورهای فقیر به دنبال داشت.

این کشورها به توانگری نرسیدند و اگر با هشیاری و تدبیر راه رستگاری را نشانند و نیمایند هرگز از بن بست فقر خارج نخواهند شد. از آنجا که درهم شکستن و فرو ریختن آسانتر از آفریدن و ساختن است بیم آن می رود که سرانجام تلاشها و برخوردها به آنجا رسد که توانگران و توانگری را بشکنند و اگر نبرد سهمگین قرن نوزدهم در درون کشورهای صنعتی ثروتمند فروکش کرد، اینک کین و ستیز در میان مردم کشورهای غیر صنعتی کم درآمد جان می گیرد و گسترده می شود. تهیدستان به داریان در درون کشورهای عقب نگهداشته شده هر روز بیشتر کینه می ورزند و این کشورها، خود نیز هر روز بیشتر با کشورهای پیشرفته به ستیز برمی خیزند.

مبارزه طبقاتی با بعد جهانگستر، دیگر تصویری درست شناخته نمیشود ولی کسان و گروههای بسیار با نظامهای فکری متفاوت به زمینه نوعی مبارزه طبقاتی در درون کشورهای خود با صمیمیت می نگرند.

انها راه رهائی تهیدستان را بسته می بینند و جز درهم شکستن توانگران چاره ای بر دردهای زمان نمی آندیشند و آنچه در قرن نوزدهم در کشورهای اروپای غربی می گذشت اینک در کشورهای دیگر جهان پا می گیرد.

وقتی مارکس در ۱۸۸۳ در گذشت، رهبری واحد انقلابیهای ضد سرمایه داری در کشورهای اروپای غربی از هم گسست و در هر کشور گروهی پرچم یکبار با سرمایه داری را به کف گرفتند.

نخست در انگلستان فابین ها از ماجرای انقلاب جهانی جدا شدند و سپس گومبرها در ایالات متحده آمریکا و بعد هم روزیونیستها در آلمان.

بانگی هر چه بلندتر بر توانگران نفرین می کنند و هجوم می برند بی آنکه راهی حساب شده برای غلبه بر درامان گیها پیش رو داشته باشند. درگیری با چگونگی رنج آور توزیع، دردی را درمان نخواهد کرد، گرچه ممکن است آتش کین را برای مدتی فرو نشاند ولی چشمه های جوشنده فقر را از میان نمی برد.

برای پایان دادن به فقر سیاهی که «نظام جهانی غربی» بر کشورهای غیر صنعتی کم درآمد تحمیل کرده است باید طرحی نو درآفکند که آنهم به نظام فکری سنجیده و پرورده نیاز دارد تا سطح تولید ملی را هر چه میشود، فزوتتر سازد.

آگهی حصر وراثت

آقای بیژن بختیاری بشناسنامه ۲۷۹۷۰-۵۹۳۵ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۲۲۱۱-۵۹۳۵ این شعبه توضیح داده شادروان محمد بختیاری بشناسنامه ۳۸ در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۲۶ در گذشته وراثت حین الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر، ۲- منوچهر بختیاری به شناسنامه ۴۶۰ صادره از تهران ۳- بهروز بختیاری به شناسنامه ۶۲۴ صادره از تهران ۴- بیژن بختیاری به شناسنامه ۱۴۳۲ صادره از تهران پسران متوفی ۵- ویکتور بختیاری به شناسنامه ۴۰۴ صادره از تهران ۶- منیره بختیاری به شناسنامه ۷۹۹۹ صادره از تهران ۷- میترا بختیاری به شناسنامه ۸۴۶ صادره از تهران ۸- منیره بختیاری به شناسنامه ۱۷۳۵ صادره از تهران دختران متوفی ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از مرگ گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. م- الف ۱۴۷۲۴ ۳-۱ رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف.

آگهی حصر وراثت

آقای عباس فاضلی پور بشناسنامه ۵۱ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۲۱۸۴-۵۹۳۵ این شعبه توضیح داده شادروان محمد حسن فاضلی پور بشناسنامه ۲۱۱۹ در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۶ در گذشته وراثت حین الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر ۲- سعید فاضلی پور به شناسنامه ۱۰۹۰ صادره از تهران پسران متوفی ۳- مهین فاضلی پور به شناسنامه ۶۳۹ صادره از تهران ۴- عالمتاج فاضلی پور به شناسنامه شماره ۹۱۲ صادره از تهران ۵- ملک تاج خانم فاضلی پور به شناسنامه شماره ۱۰۵۷ صادره از تهران ۶- پروین دخست فاضلی پور به شناسنامه ۱۳۹۵۹ صادره از تهران ۷- سیمین فاضلی پور به شناسنامه ۱۴۳۵ صادره از تهران ۸- طسویی فاضلی پور به شناسنامه ۶۸ صادره از قزوین دختران متوفی ۹- منیرخانم سیدحسین به شناسنامه ۱۷۵۲۹ صادره از تهران عیال دائمی متوفی ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از مرگ گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. م- الف ۱۴۷۲۰ ۳-۱ رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف.

مردم را از همه رویدادهای کشور آگاه کنید.

آگهی حصر وراثت

خانم خدیجه تقی، به شناسنامه ۶۷۷ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۲۱۰۳ این شعبه توضیح داده...

م. الف ۱۴۷۲۱ رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

آگهی حصر وراثت

آقای محمدمتقی شاهپوریارانی به شناسنامه ۳۵۴ قم بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۱۲۳۱ این شعبه توضیح داده...

م. الف ۱۰۷۴۹ رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

آگهی حصر وراثت

آقای عبدالله یوسف حکیمی به شناسنامه ۷۳۳ بشرح دادخواست کلاسه ۱۱۱۱/۵۹ این شعبه توضیح داده...

م. الف ۱۱۶۲۲ رئیس شعبه اول دادگاه صلح تهران احدی

آگهی حصر وراثت

آقای محمدعلی ساسانی به شناسنامه ۱۴۷۲ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵ این شعبه توضیح داده...

م. الف ۱۰۷۵۲ رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

آگهی حصر وراثت

آقای بایرام علی بخش پور کلهخانه به شناسنامه ۵۰۶۴۵ تبریز بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۱۶۲۹ این شعبه توضیح داده...

م. الف ۱۰۷۵۰ رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

آگهی تغییر محل شرکت مهندسی فلاپ با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره

بااستناد صورتجلسه مورخ ۳۶/۲/۲۵ جمع شرکاء شرکت مذکور مرکز اصلی شرکت به خیابان تخت طاوس پلان پهلوی ونادرشاه کوجه نعمتی بیک ۳۹ انتقال یافت.

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای اکبرمحمد دارای شناسنامه شماره ۵۷۷ از شهر ری فرزند علی از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده وچنین توضیح داده که آقای علی محمد در تاریخ ۵۷/۱۳/۵۷ در شهری اقامتگاه دائمی خود ببرد زندگی گفته ورته آمرحوم منحصر است به پنج پسر باسامی عباس- حسن- محسن- اکبر و۲ دختر به اسامی کبری- نرجس خاتون ویکمال دائمی بنام بتول وغیراز نامبردگان وارث دیگری ندارد اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی درپی ماهی یکمرتبه آگهی مینماید تا هرکسی اعتراض دارد ویا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر وهروصیتنامه جز سری رسمی که بعداز این موعدا برآز شود از درجه اعتبار ساقط ویلاثر خواهد بود. م- الف ۱۳۹۶۴-۳-۳ دادرس شعبه ۴۶ دادگاه صلح تهران- حیدری

آگهی تغییرات در موسسه تراندکوف آ. س. ج ثبت شده بشماره ۱۵۶۵

برابر صورتجلسه مورخ ۱۳۵۹/۷/۱ مجمع عمومی مؤسسه مذکور تصمیمات زیر اتخاذ شد ۱- خانم رومانا اواسایا مبلغ بیست هزار ریال سهپالشرکه خود را دریافت و از شرکت خارج گردید ۲- آقای آوادیس اواسایا با پرداخت مبلغ بیست هزار ریال بصدوق مؤسسه سهپالشرکه خود را به مبلغ پنجاه هزار ریال افزایش داد و در نتیجه در سرمایه مؤسسه تغییری حاصل نشد و اسامی و میزان سهپالشرکه هر یک به شرح زیر است الف- آقای آوادیس اواسایا دارنده مبلغ پنجاه هزار ریال ب- خانم رزگایگیکیان دارنده مبلغ سی هزار ریال و خانم ژانت اواسایا دارنده مبلغ بیست هزار ریال سهپالشرکه میباشد. م- الف ۱۴۷۱۲ اداره ثبت شرکت و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی انتخاب اعضای هیئت مدیره در شرکت کوشک ایران با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۱۴۶۸۸

بااستناد صورتجلسه مجمع عمومی شرکاء مورخ ۵۹/۱/۲۶ شرکت مزبور و بر اساس ماده هفت اساسنامه شرکت آقای نورالله شاهرخی و خانم ملوک شاهدی بعنوان اعضای هیئت مدیره ابقا گردیدند. م- الف ۱۴۷۱۳ اداره ثبت شرکت و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه ۸۷/۸ به آقای سیدمحمد ضوالمز شد معروف به کاشانی

بموجب اجرائیه صادره از شعبه ۵ دادگاه مدنی خاص تهران له بانو زهرا طهماسبی نعمت شما محکوم هستید مبلغ هفتصدوسی وچهار هزاروچهارصدوچهل ریال بابت نفقه از تاریخ دیماه ۱۳۵۷ تا تاریخ ۵۹/۴/۱۵ و هزینه دو فرزند خود و هزینه بیمارستان و هزینه عمل جراحی قلب و مبلغ دویست و هشتادوسه تومان وپنج ریال معادل (۲۸۲۸۳ ریال) هزینه دادرسی مراتب بدینوسیله ابلاغ میشود که در ظرف دهر روز پس از ابلاغ اجرائیه بوسیله درج آگهی مفاد حکم را طوعاً اجراء والا برابری مقررات اقدام خواهد شد. م- الف ۱۴۷۱۹ رئیس اجرای دادگاههای مدنی خاص تهران

آگهی تغییرات در شرکت کمدر با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۱۷۱۳۸

برابر صورتجلسه مورخ ۵۹/۵/۲۹ مجمع عمومی فوقالعاده شرکت مذکور مقرر گردید که کلیه اوراق و اسناد بهادار و چک و سفته و برات و اسناد رسمی و قراردادهای با امضاء آقایان دکتر ناصر کهن شوحط و مهندس هوشمند سوفر متفقاً با مهر شرکت معتبر خواهد بود. م- الف ۱۴۷۱۱ اداره ثبت شرکت و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی حصر وراثت

آقای عباس خاکپورقمی به شناسنامه ۳۱۵۴۰ قم بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۱۹۸۱ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای محمد صمیمی به شناسنامه ۱۱۴ بشرح دادخواست کلاسه ۱۵۱۳/۵۹ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

خانم بالا اصفهانی به شناسنامه ۱۱۱۰۶۵ همدان بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۱۹۳۲ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای رضا آل یاسین بوکالت بانو مهشید رکنی به شناسنامه ۳۵۷۱۳-حوزه تهران بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۹۷۹ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای امیر حسین خانی به شناسنامه ۹۸۱ بشرح دادخواست کلاسه ۱۴۹۲/۵۹ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای غلامرضا نوروزی به شناسنامه ۱۶۹ بشرح دادخواست کلاسه ۱۷۴۹/۵۹ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

خانم صفرا عربزاده قهبازی به شناسنامه ۲-اردستان بشرح دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۱۶۱۳ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای سید جواد فاطمی وکیل دادگستری بوکالت از بانو طاهره کوزه گرماران دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۱۶۱۱ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای غلامرضا نوروزی به شناسنامه ۱۶۹ بشرح دادخواست کلاسه ۱۷۴۹/۵۹ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای سید جواد فاطمی وکیل دادگستری بوکالت از بانو طاهره کوزه گرماران دادخواست کلاسه ۵۹/۳۵-۱۶۱۱ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای غلامرضا نوروزی به شناسنامه ۱۶۹ بشرح دادخواست کلاسه ۱۷۴۹/۵۹ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای غلامرضا نوروزی به شناسنامه ۱۶۹ بشرح دادخواست کلاسه ۱۷۴۹/۵۹ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای حمیدرضا عادلین به شناسنامه ۳۸۰۲ بشرح دادخواست کلاسه ۱۶۷۸/۵۹ این شعبه توضیح داده...

آگهی حصر وراثت

آقای حمیدرضا عادلین به شناسنامه ۳۸۰۲ بشرح دادخواست کلاسه ۱۶۷۸/۵۹ این شعبه توضیح داده...

آرمان ملت ارگان حزب ملت ایران دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمای زیر نظر شورای نویسندگان شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳ خیابان سیند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷ صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

باتصمیمهای انقلابی به گرانی روز افزون هزینه زندگی پایان دهید.

ارگان حزب ملت ایران

از خبرهای هفته

دست‌هایی در کار است که «بسپج» را وابسته کند

حجت الاسلام امیر مجد، سرپرست سازمان بسپج مستضعفین (ملی سابق) در پایان اردوی این سازمان که از هیجدهم تا بیست و سوم شهریورماه در نیشابور تشکیل شده بود، اعلام کرد: «من به همه گروه‌ها، افراد و نهادها هشدار میدهم، اجازه دهند بسپج مستضعفین همچنان مستقل از هر نوع وابستگی بماند و بدانند که درباره استقلال بسپج، همچنان ایستادگی خواهیم کرد و به هیچ حزب، گروه دسته و نهادی اجازه نخواهیم داد که بسپج مستضعفین را مختص و منحصر به خود بدانند». حجت الاسلام مجد در جای دیگری گفت: «دست‌هایی در کار است که بسپج را وابسته کنند و بسپج نفوذ کند. البته من یک بار خدمت امام رفتم و در همین رابطه استعفا کردم که امام نپذیرفتند و اینک باتمام قوا از کشیدن شدن بسپج به یک سوجلوگیری کرده‌ایم و می‌کنیم. وی در همین رابطه افزود: «نیروئی که ما باید صرف آماده سازی و امور مربوط به بسپج مستضعفین بکنیم قسمتی از آن صرف مبارزه با همین کشمکش‌های پنهانی برای زیر نفوذ قرار دادن بسپج میشود. در حالیکه اگر بسپج به هر طرف متمایل و وابسته گردد، کوچک میشود و مرگ بسپج حتمی است.»

نامه‌ی هیات علمی دانشکده فنی

اعضای شورای عمومی هیات علمی دانشکده فنی دانشگاه تهران طی نامه‌ای به آقای بنی صدر خواستار بازگشائی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی شدند. در این نامه ضمن اشاره به نیازهای اساسی کشور عواقب ناخوشایند بسته بودن دانشگاهها برای مدتی طولانی بر شمرده شده است. استادان دانشکده فنی در نامه خود هر گونه تفتیش و تصفیه عقیدتی را برخلاف قانون اساسی دانسته و آن را محکوم کرده‌اند. در پایان این نامه همچنین آمده است: بازگشائی دانشگاه نه تنها مانع انقلاب آموزشی و فرهنگی نیست بلکه تنها راه حلی است که میتواند مساله رازبن بست فعلی بیرون آورد علم منحصر به علوم طبیعی نیست و علوم اجتماعی چنانچه برینشی بالنده متکی باشد پرده‌ها رازروی متناسبات نابرابر اجتماعی بر میدارد و راه رسیدن بسوی جامعه ای متعالی را بمانشان خواهد داد. از این رو است که ما خواهان بازگشائی کامل و یکپارچه دانشگاهها میباشیم.»

ملتی که با قوی ترین کشورهای جهان، امپریالیسم امریکا هم‌رزم باید سر از نو یگانگی خود را نشان دهد. بسپج، باید بسپج همگانی باشد، همه باید در صف‌های پیکار دست در دست یکدیگر گذارند. همه آرشیان و نیروهای ذخیره که کارآموزان و وفادار به انقلاب هستند باید به این نبرد سرنوشت ساز فراخوانده شوند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همه نهادهای انقلابی همانند، حماسه آفرین میدانهای نبرد باشند. تمام ایل‌های مهین دوست که پیکار گران تاریخی ایران زمین بوده‌اند، با صحنه نبرد پیوند یابند. همه حزب‌ها و سازمانهای سیاسی وابستگان خود را بسپج کنند تا در این معرکه هستی، در این نبرد بودن یا نبودن شرکت نمایند.

فرمانده کل قوا به رهبری امام خمینی، وظیفه دار نظم این پیکار عظیم است و هیچ مرکز و کانونی نباید اختلال در این فرماندهی یگانه بوجود آورد. هم میهن! در تمام این آشفته‌گی‌ها، با اتکای به نیروی پروردگار بزرگ و توان بی‌پایان ملت بپاخاسته ایران، این توطئه امریکای جهانخوار نیز به شکست خواهد انجامید و انقلاب جهانگستر ما پیروز خواهد شد. افرادی ایران، فردای درخشان ملت بزرگ ایران، در گرو همت توست، بپاخیز! و در صف پیکار گران ایران در خط استقلال طلبان و آزادیخواهان قرار بگیر. همه وابستگان حزب ملت ایران، این وفاداران به انقلاب تا آخرین نفر و تا آخرین نفس در کنار تو و همه رزمندگان این نبرد میهنی ایستادند و پیشاپیش همه پیکار گران دلیر سپینه خود را سپر پاسداری انقلاب خواهند کرد.

پیروز باد ملت استوار باد نظام جمهوری اسلامی ایران دوشنبه سی و یکم شهریور ماه ۱۳۵۹

دبیرخانه حزب ملت ایران

نامه‌های رسیده

ابراز تشکر

سازمان حفاظت محیط زیست، طی نامه‌ای از درج خبری در شماره ۲۲ نامه آرمان ملت تحت عنوان «اعتراض شدید سازمان حفاظت محیط زیست به تبلیغ برای سیگار آزادی» اظهار تشکر نموده و از درگاه ایزد یکتا خواهان توفیق این نشریه در خدمت به جمهوری اسلامی گردیده است

آقای ذبیح‌الله پوربابایی دبیر دبیرستانهای سیاهکل در بخشی از نامه‌ای که رونوشت آن را برای «نامه آرمان ملت» فرستاده است می‌نویسد:

«با احترام و بدون مقدمه به اطلاع میرساند که مدتی است هیات پاکسازی در استان گیلان با استناد به گزارشات واهی و پرونده‌های جعلی نمایندگان منتخب خود در مراکز بخش‌ها و شهرها گروه گروه کارمندان ادارات را مشمول پاکسازی قرارداده و بدون رعایت اصول اخلاقی و عدل اسلامی این محکمه عدل را به میدان تسویه خورده حسابهای شخصی تبدیل نمودند، بنابراین دقیقاً در این نامه روی سخنم با هیات محترم پاکسازی استان گیلان و جناب رهنما، مدیر کل آموزش و پرورش استان گیلان بود و بزرگواران دیگری که رنج خواندن این نامه را به خود هموار می‌سازند گواهی خواهند بود برای فردا و فرداهای بعد که اسلام در قرآن کریم وعده آنرا داده است.

هیات محترم پاکسازی در گیلان، آقایان دستیاران این هیات در مراکز بخش‌ها و شهرها، آقایانی که اکثرآ همکاران پردرد دیروز و ناآشنا با درد امروز ما محسوب می‌شوید، شما با در پیش گرفتن راهی که بی‌گمان هنوز در آغاز آن هستید تاکنون چند درصد از بقول شما گمراهان و منحرفین را به راه راست ارشاد فرموده‌اید؟! آیا شما می‌دانید که در بدوی‌ترین نوع حکومت‌ها نیز انسانها را پیش از محکوم کردن با ارائه دلایل منطقی و خردمندانه

آنها با حضور شاهدانی عادل و بی‌غرض محاکمه و آنگاه رأی محکومیت متهم را صادر می‌نمایند. آیا شما قضات دادگاههای سری پاکسازی در روال این دوخت و دوزخ‌های پنهانی و محاکمات خیالی بدون متهم آنها در پشت درهای بسته، از شروع نابودسازی انسانها تاکنون حتی یکبار هم که شده باشد به یاد حضور خدا در جلسات خود افتاده‌اید و خدا را ناظر بر اعمال خود دانسته‌اید؟!»

آقای حسن صالحی از تهران

آقای حسن صالحی در مورد نمایشگاه لوازم یدکی شرکت سهامی جیب پارت در بخشی از نامه‌ای که رونوشت آن را برای «نامه آرمان ملت» فرستاده می‌نویسد:

این شرکت چون دیگر شرکتهای ملی شده مواجه با مشکلات فراوانی بوده است با اینحال پس از گذشت بیش از یکسال ونیم از انقلاب مقدس اسلامی با پشتکار و علاقمندی کارکنان و کارگران و مدیران اعزامی از سوی دولت اکنون به اغلب مشکلات داخلی خود غلبه کرده و با برنامه ریزیهای بلند موقعیکه طرح ریزی شده و در جهت اجرای آن گام برمیدارند امید فراوانی به آینده دارند. یکی از این اقدامات تشکیل نمایشگاهی است که از تاریخ شنبه ۵۹/۶/۲۲ در دفتر مرکزی واقع در خیابان اکباتان ساختمان جیب برپا داشته‌اند در این نمایشگاه حدود ۴۰۰ قلم از انواع لوازم به مصرف اتومبیل‌های جیب و آریا جهت بازدید صنعتگران داخلی بمرعش نمایش گذارده شده است و طبق گفته مسئول نمایشگاه در روز اول افتتاح با استقبال فراوانی مواجه گشته‌اند و پیشنهاد ساخت قطعاتی را از صنعتگران داخلی دریافت نموده‌اند که تصور ساخت آنها در داخل تمیرفته است و این امر باعث امیدواری فراوان میدان این شرکت شده است تا انشالله هر چه زودتر بآپی گیری مستمر بتوانند به خود کفائی نسبی در زمینه قطعات اتومبیل‌های جیب و آریا نائل شوند.

آقای حسین حسن زاده از تهران

طی نامه‌ای ضمن فرستادن فتوکپی اسناد و مدارکی در نامه خود درباره مدیر کل آموزش و پرورش گیلان می‌نویسد: «آقای بهمن رهنما که در رژیم گذشته نماینده اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان در لشت‌نوشه بوده است جزو کسانی بقیه در صفحه سوم

کلاس نقاشی

مرتضی کاتوزیان

خیابان صبا چهارراه بزرگمهر ساختمان صبا طبقه سوم تلفن ۶۶۶۸۷۱

پایه لیران

تور پرستش مینیم واز تو یاری میجویم

اعلامیه دبیرخانه حزب ملت ایران

پیرامون هجوم وحشیانه دولت نژاد گرای بعث عراق به ایران

هم میهن بپاخیز!

از آغاز اوجگیری پیکارهای رهائی بخش ایران، دولت نژاد گرای بعثی عراق، این دشمن تاریخی میهن ما، چون غلام زر خرید امپریالیستهای جهانخوار، بویژه امریکای جنایتکار، در خط دشمنی و سرکوب کردن انقلاب اسلامی ملت ایران قرار گرفت.

خطر آسیب رسانی این دولت استعمار ساخته را به نظام جدید حکومتی کشور بارها رهبر توانمند انقلاب امام خمینی گوشزد کردند و با اینکه برخی از دولتمردان کارآدان در ایجاد پیشگیری‌های لازم تلاش بعمل آوردند اما بعثت انحصار گریها و نادانی‌های گروه دیگری از کاربدستان کشوری، نه تنها سودمندیهای چشمگیر حاصل نگردید بلکه با پاشیدن بذر نفاق از آمادگی ملی کاسته شد.

حزب ملت ایران با آگاهی کامل از سرزمینهای غرب کشور و شناخت ماهیت تجاوز گرانه دولت نژاد گرای بعث عراق و پیوند شوم آن با امپریالیسم امریکا و صهیونیسم جهانی و بیان چگونگی به خدمت گرفتن نیروهای «ضدانقلاب» چندین بار به روشنگریهای گوناگون پرداخت و اهمیت داشتن یک ارتش نیرومند را برای دفاع از نظام جمهوری اسلامی ایران یادآور شد.

حزب ملت ایران از آغاز پیروزی انقلاب اعتقاد ورزید که بدنبال مرگ همیشگی «نظام سلطنتی» ارتش جدید ایران را باید در مسیر اندیشه‌های آرمانخواهانه قرار داد تا بر بنیاد آن بتوان میهن آزاد شده و به استقلال رسیده را پاسداری کرد.

حزب ملت ایران به این نکته پافشار بود که ارتش آرمانخواه ایران با برخورداری از ایمان باید از همه دست‌افزارهای جنگی و همه استعدادها و تخصص‌ها در تمام زمینه‌ها سود جوید تا شوق حرکت و پیکار برای پاسداری ایران زمین و انقلاب در آن بوجود آید. حزب ملت ایران با در نظر گرفتن تمام شرایط بیرون مرزی و درون مرزی بارها لزوم بسپج همه نیروهای نهفته ملت را برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب به حکومتگران کشور یادآوری کرد.

حزب ملت ایران، تقویت نیروهای مرزی کشور را چه از طریق نظامی و چه با برخورداری از شیوه‌های سنتی عشایری و بردن جنگ بدان سوی مرزهای کشور بیان داشت.

با کمال تاسف بهر علت که بود، نه تنها به این رهنمودها توجه نشد بلکه بسیار حرکتهای ناشایست و نادرست در رابطه با این نهاد پاسدار کشور به منصف ظهور رسید و زیانهای روحی و مادی فراوانی نیز به آن وارد آمد.

دولت پوشالی و دست نشانده عراق که عامل چشم و گوش بسته امپریالیسم امریکا می‌باشد، با استفاده از همین ناپسامانی‌ها و چند دستگی‌های داخلی فرصت یافته است تا با کمک خود فروختگان ضدانقلاب میهن ما را زیر بمب‌های آتش‌زای خود قرار دهد و با جمهوری نوپای ما وارد جنگ گردد.

بارها تاریخ نشان داده است، در زمانهایی که استقلال ملی در معرض خطر قرار گیرد، مردم ایران این توان را دارند که از اختلافها و کشمکشهای کوچک سلیقه‌ای چشم‌پوشند و یگانه در خط دفاع از میهن قرار گیرند. هم اکنون تاریخ بار دیگر ملت ایران را در بوته آزمایش قرار داده است.

ملتی که با انقلاب خود خون آشام‌ترین حکومت‌های زمان را نابود ساخته است، ملتی که با بهره‌برداری از آموزش‌های اسلامی در راه آزاد شدن و آزاد کردن همه ملت‌های دربند و ستم دیده جهان است.

ملت ایران، گستاخی‌های دولت بعثی عراق را نخواهد بخشید.